

رمان خیالی نیست

نویسنده: فاطمه عابدین زاده

بنام خدا

هر از گاهی رویاهایم به زبان می آید

مثلاً می گوید: تنهایی بهای سنگین زلال ماندن است

من نیز پرده یه بخار الودش را پس میزنم

چراغ را خاموش میکنم باگریه هایم

رویاهایم را خیس میکنم

اری رویایی خیس

توانا قم بودم مثل همیشه تو فکر افکارم بودم باید خودمو سرگرم میکردم هم اینکه دنبال

یه درآمدیم باشم دستم توجیب خودم باشه

تو حالو هوایی خودم بودم که بابام صدام زد

اوا اوا_

بله بابا جونم_

دخترم کجایی بیا کارت دارم_

جونم بابا در خدمتم_

امروز تو سرکارم یکی از همکارام گفت یکی_

از اشناهاشون به منشی نیاز دارن منم گفتم خوبه اگه بری

اره خوبه اتفاقا خودمم دنبال کار بودم تو فکرش بودم اگه خوب باشه چرا که نه _

باشه پس من به اقایی محمداپور میگم که دخترم میاد فردا واسه مصاحبه راستی مادرت _

کجاس

خونه سلیمه خانومه الان میاد _

باشه برو به کارت برس بدش زود بخواب که صبح خواب نمونی ادرس شرکت صبح میدم _

بهت

رفتم توانا قم فردا باید تمیز مرتب برم شرکت رفتم حموم واسه خودم اهنک میخوندم

یعنی اگه از همسایه ها بود پرتم میکردم بیرون از ساختمون

باین صدام اعتماد به نفس داشتم بازم میخوندم جورایی بود که گوشام میگفتن عجب

غلطی کردیم گوش توشدیم

به افکار خودم میخندیدم اومدم بیرون موهامو خشک کردم روتختم ولو شدم

خوابیدم صبح باید بلند میشدم که میرفتم گوشیمو گذاشتم روزنگ که خواب نمونم یهو در

اتاق باز شد یکی پرید تو ارزو بود

خواهرم هفتده سالشه خیلیم شیطونه یه صورت بچه گونه ایی داره بااون چتری های که

جلویی چشای کشیده قهویشو گرفته باابروهایی پرش یه لب معمولی در کل

نازه و خوشگله به خواهرش رفته ازبس خوشگله

این یه موردو به من رفته البته

کلیم حرف میزنه و سوال میکنه زود خودموزدم به خواب که مخمونخوره

اجی اوا من خرم یعنی عر عر خودتوزدی به خواب_

اجی اوا پاشو من خوابم نمیره باش

جواب نده منم میخوابم

اخیش رفت بخوابه دختره پیش فعاله نصف شبی مخ میخوره فقط به جایی شام_

راستش منم خوابم نمیرد باگوشیم ورمیرتم که

نورگوشیم دوتا شاخ ونشون میداد گوشو برعکس کردم نه اینکه سوسکه

وای مامان بابا سوسک_

اجی چرا نصف شبی رقصت گرفته_

کم حرف بزن میگم سوسک میگی رقصم گرفته_

یهو بدتر از من اونم جیغ میزد خونه گذاشته بود روسرش

چی شده اوا ارزو چتونه نصف شبی_

مامان سو سک_

کو کجاس_

اونا بغل تخت اجیه_

سوسکه دیو دوسر نیسی که_

مامان اذیت نکن بکشش خوابم نمیره شب_

باشه جارو بیار_

جارو دادم به مامانم همچین سوسک کشتش که صدایی غلط کردن سوسکم میومد

کشم حالا بخواین جیغ جیغ نکنید_

باشه شب بخیر_

دیگ خوایدم

صب بازنگ گوشیم بیدار شدم باید آماده میشدم بابا اومد توانا قم

اوا اینم ادرس مواظب خودت باش چیزی شدبهم زنگ بزن_

چشم بابایی_

بلندشدم دستو صورتتم بشورم بداماده شم هشت بایداونجاباشم رفتم بلند صبح بخیرگفتم

صبح همه بخیر_

چته دختره دیونه ترسیدم ارزومسخره میگردی سرخودت اومد_

وا مامان رسماً گفتمی روانیم ما_

اجی جونم تبریک میکم_

تبریک واس چی_

به جمع روانی ها اضافه شدی_

ارزو مگردستم بهت نرسه دختره پرو_

اگ رسید سلام ویژه برسون_

تو خونه من بدو ارزو بدو اخرم خسته شدم بیخیال شدم

واقعا شکر درسته که کم هسیم ولی کنارشون احساس آرامش دارم شادیم بخصوص بااین

ارزو دیونه

اوا کجایی تودختر_

بیاصبونه تو بخور دیرت نشه

چشم مامانی ببارفت_

اره زودرفت گفت جلسه داره_

اهاباشه_

بابام معلمه خداروشکر دستمون به دهنمون میرسه همین که باهمیم کلیه هول هولکی

خوردمو رفتم اتا قدم آماده شم

چی بیوشم_

بیامنو بیوش شیک تری_

ارزو تو حرف نونی نمیکن لالی تو که بیوشم ندیده ردم میکنن_

اجی خیلی نامردی اصلنشم گهرم_

اوه چه لوسه خواهرم بیا ب*و*ست کنم برو دیکه پرو نشو_

مرسی از محبتت_

ارزو_

رفتم_

در کمند و باز کردم چی بیوشم به شلوار مشکی و رداشتم با مانتویی گلبهی با مقنع مشکی

خوبه باکفش عروسکی گلبهی ارایشم نمیکنم خدادادی خوشگلم خدایا هیچی بهم ندادی

اعتماد به نفس دادی رفتم جلو اینه

یه صورت گرد بالپ هایی سرخ لب غنچه ایم یه دماغ کوچولو چشایی منم کشیده بود با

ابرو های مشکی پر از نظر خودم قیافم خوبه یه برق لب زدم لباسمو پوشیدم

از مامان خدافظی کردم و رفتم

سوار تاکسی شدم رفتم به سوی شرکت

مرسی پیاده میشم چقد همیشه _

قابلتونو نداره خانوم _

مرسی _

سه تومن _

بفرمایید مرسی _

پیاده شدم عجب ساختمون بلندیه ظاهرش عالییه داخلش چیه

سوار اسانسور شدم طبقه ده زدم اسم یارو چی بود یادم رفت

اها اقای محسنی آرین محسنی

وارد سالتش شدم چقد بزرگه و قشنگه چندتا کارمندبودن هرکدوم یه میزی داشتن

دیواراشم کاغذدیواری انگلیسی نوشته مشکی طلایی همین جوری داشتم نکا میگردم که یه

پیرمردی اومدگفت بفرماییدخانوم امری داشتن

سلام ببخشید باقای آرین محسنی کارداشتم هستن_

بله دخترم بشین تابش بگم خانومه_

اوا عمرانی هستم ازطرف اقای محمدپور اومدم واسه مصاحبه_

باشه دخترم بشین تایام_

چشم_

دوباره شروع کردم به دید زدن چرامنوا اینجوری نکا میکنن مگه چمه من وا

بفرمایید اقا منتظرتون هستن

مرسی_

تقی تقی به در زدم رفتم تو اوه اینجارو شده بودم عین ندید بدیدا انگار ازدهات اومده به

خودم اومدم یه پسره هیکلی چشایی قهوه ایی بابروهایی مشکی حالت دارش دماغشم معمولی

یه لب بامزه که به صورتش میومد موهایی بورم داشت با ته ریش که قیافشو عالی کرده بود

خانوم شماومدین منواتاقم دیدبزنین یا واسه مصاحبه_

اوم چیزه واسه مصاحبه اومدم_

یعنی انقضایع بازی دراوردم که فهمید اول بسم الله ابروم رفت

ازطرف آقای محمدپور اومدین چندسالگونه_

بیست و سه سالمه_

رشته تحصیلی_

مهندسی صنایع فوق دیپلم_

خوبه شرایط کاریوبهتون گفتن یا بگم_

نه نگفتن_

ساعت کاری هشت صبح تاچهاربدظهره چون کارامون زیاد ساعت کاریم زیاده_

حقوقم که مدیر مالی خودش میدونه وشما منشی من

هسین کارایی که میدم انجام میدین درستم تحویل میدین

چه مغرور_

چیزی گفتین_

من نه گفتم خوبه_

باشه پسرا فردا شروع میکنیم هشت صبح میبینمتون_

خیلی ممنون خدافظ_

بسلامت_

از ساختمون خارج شدم رفتم که یکمم دور بزنم مغازه هارو دیدم عاشق لباسو لاک بودم

همشم اینارو میخریدم یا نکاشون میبردم لت میبردم دخترهمشون اینجورین

زیاد اهل دوسی داشتن نبودم دوسیم فقط تو دانشگاه یامدرسه بوده

داشتم از خیابون رد میشدم که دیدم پیرزنی میخواد رد شه اما نمیشه ماشین هام وای

نمیسادن انقدباسرعت میرفتن انکار جایزه میدن بهشون رفتم دست پیرزن گرفتم

مرسی دخترگلم ازکی وایسادم که رد شم اما نمیشه از پله هام نمیتونم برم دیگه_

ماپیر شدیم نوبت شما جوناس

خواهش میکنم مادر جون این چه حرفیه بفرماییدمن کمکتون میکنم_

بهش کمک کردم از خیابون رد بشه

ایشالله خیر ببینی دخترم خوشبخت بشی_

ممنونم مادر جون خونتون کجاس تا کمکتون کنم تادم خونتون_

نه دختر گلم پسر م میاد دنبالم خدا پشتو پناهِت_

پس با اجازه خدا فظ_

خدا فظ دختر جون_

چه زن خوبو مهربونی بود از کجامیومد پس چرا پسرش نیومد اون ور خیابون کمکش کنه

ولش کن الان فکر کنم مخم هنگ میکنه همین جوری به راهم ادامه دادم دیگ خسته

شدم تا کسی گرفتم برم خونه

کلید و انداختم در و باز کردم دیدم کسی خونه نیس برق هام خاموشه بر قوروشن کردم

انقد گرسنم بود سگسکم گرفته بود زودی پریدم طرف یخچال غذا داغ کردم خوردم زنگ زدم به

مامان

الو سلام مامان کجاین شما_

سلام دخترم با ارزو اومدیم خونه خاله فتانه میایی بیا شبنم بابات میاد اینجا هرچی زنگ _

زدم به گوشت جواب ندادی

اها نشنیدم من نمیام خستم خوش بگذره به خاله فتانم سلام برسون خدافظ _

باشه پس غذا داغ کن بخور مامیایم مراقب باش خدافظ _

نمیدونه عین قعطی زده ها اول غذا خوردم رفتم اتاقم لباسمو دراوردم حوصلم بدجور

سرفته بود تلویوزونم چیزی نداشت عجب غلطی کردم نرفتم ساعت هنوز سه ظهر بود اچه

از صب رفتن اونجا چیکار کنن پشیمون شدم زنگ زدم به مامان

مامان میگم _

جانم _

منم میام پشیمون شدم _

تو که خسته بودی چی شد _

اصلا نمیام _

شوخی کردم بیامنتظریم _

آماده شدم زود جیم شدم رفتم خونه خاله فتانه یه کوچه بامافاصله داشت درشونو زدم

رفتم بالا باز مثل همیشه بلند سلام کردم

سلام به همه _

دختر تو نمیخواهی ادم شی یه بار درس حسابی سلام بدیی اخر منوسکته میدی نخواسم _

سلام بدیی

وا مامان بده مگه _

اینکه یه دیونه کم بود دوتا شده اره بده _

خالم زد زیر خنده با ارزو

سلام اوا خانوم خوش اومدی _

سلام خاله جون مرسی خوبین شما _

مرسی فداتشم بشین چایی میوه بیارم برات _

زحمت نکشین مرسی _

یدونه خاله داشتم خیلی دوشش داشتم باحال بود

اوا تو نمیخواهی شوهر کنی ترشیدی خواهرم بایدلایته بزازه واست_

وا خاله جون کورم چمه که بترشم_

اجی خیلی اعتماد به نفس داری_

از تو که بیشتر ندارم_

تاشب کلی خندیدیم شوخی کردیم اخر شب شد خدافظی کردیم اومدیم خونه

اوا دخترم چی شد امروز رفتی وقت نشد خونه خاله بپرسم_

اره باباجون رفتم از فردا باید برم_

خوبه موفق باشی عزیزم_

مرسی بابایی من رفتم بخوابم شبتون بخیر_

شبت توام بخیر_

رفتم روتختم ولوشدم زودم خوابیدم

اجی بلندشو اول بسم الله خواب موندی که پاشو ساعت نه_

وای خاک به سرم ارزو چرا زودتر بیدارم نکردی ساعت نگاه کردم هفت بود_

ارزو خفت میکنم_

حقیقه_

یکی طلبت_

پاشدم آماده شدم که برم شوالی ابی پوشیدم با مانتومشکی مقنع زود صبونحه خوردم

خدافظ کردم رفتم

رسیدم به شرکت سوار اسانسور شدم طبقه ده زدم به همه سلام دادم بازم اون پیرمرده

اومد

سلام دخترم خوش اومدی_

سلام مرسی ببخشید من الان کجا باید باشم اقامحسنی نیستن_

نه الان میاد بیابشین تا خودش بهت بگه_

ممنونم_

نشستم تابیاد حالامکه حضرت عالی میان کفریی شده بودم همون موقع شد که اومد

سلام اقامحسنی_

سلام بامن بیاین_

وا این چرا نقدتخسه دنبالش رفتم مٹ جوجه اردک پشت سرش بودم یهو وایساد هواسم

نبود باکله رفتم توکمرش

چیزه ببخشید هواسم نبود_

توکه هواست نیست چیجوری میخوایی کارایی اینجانجام بدی_

شماهم هی تیکه بنداز هواسم نبود چه میدونسم میخوایی وایسی_

خوبه زبونم داری بیاینجا جایی توه_

مرسی خوب چیکار کنم الان_

هیچی بشین منونگا کن ببین چی کشف میکنی_

چشام داش از حدقه میزد بیرون منوداش میخورد درسته نباید کم میوردم

باشه بزار قشنگ ببینم ایشات بلندشده نره تودهنت_

کم نیاری مهم خودمم میخوام اصلا بره حلقم_

خیلی پروی_

جانم_

گوش که داری از تکرار یه حرف مقذورم_

زود رفتم نشستم سر جام مهلت حرف زدن ندادم بهش دیدم یه عالمه پرونده آورده واسم

خانوم بناه لطفا این پرونده ها رو چک کنید بهشونم زنگ بزید و اسه جلسه _

این چی گفت بهم گفت بناه فامیلیمو مسخره کرد دارم برات نیومده شروع شد

الو هواستون کجاس خانوم بناه_

اقایی حسن من خانوم عمرانی هستم نه بنا_

ا چه جالب منم محسنی هستم_

منم عمرانی هستم_

عجب بهشون زنگ بزید بگین بیان ساعت سه یادتون نره_

بله حتما_

یه جلسه ایی نشونت بدم کیف کنی پسره پرو

خدایا چقد پرونده اخه بیکاری مگه با این همه ادم جلسه چی چی بزاری مردم بیکارن

هر چی زنگ میزدم مگه تموم میشد ساعت دوازده بود به همشون زنگ زدم گفتم

دهنم کف کرد انگار رباطم من

زنک زدین_

بله_

خوبه میتونین استراحت کنید_

خوب شدگفتین نمیدونسم یه موز دراوردم شروع به خوردن کردم_

سرمواوردم بالادیدم داره نگام میکنه

چیزی شده_

تعارف کنی بدنیس_

یه نگاه به موزم کردم دیدم اخراشه یه گازم زدم تموم شد بادهنم پرگفتم

اوا ببخشید یه ذره موند که خودم خوردم_

یه ذره نه کلشو تعارفم بلندنیستی بادهنم برم حرف نزن خانوم بناه_

انقدحرسی شدم گفت بناه داشت میرف پوست موز انداختم زیر پاش این نیوفتاد

چنان با باسن پخش زمین شد فقط دلمومیگرفتم میخندیدم هنگ کرده بود

رواب بخندی اینجا شرکته اشغال دونی نیست که اشغال موزو میندازی دفع اخر میبینم_

تاشماباشین نگین بناه آقای حسن_

دارم واست بناه روز اول این هستین وای به روازی دیگه_

رسیدم به شرکت سوار اسانسور شدم طبقه ده زدم به همه سلام دادم بازم اون پیرمرده

اومد

سلام دخترم خوش اومدی_

سلام مرسی ببخشید من الان کجا باید باشم اقامحسنی نیستن_

نه الان میاد بیابشین تا خودش بهت بگه_

ممنونم_

نشستم تاییاد حالامکه حضرت عالی میان کفری شده بودم همون موقع شد که اومد

سلام اقامحسنی_

سلام بامن بیاین_

وا این چرا نقدتخسه دنبالش رفتم مٹ جوجه اردک پشت سرش بودم یهو وایساد هواسم

نبود باکله رفتم توکمرش

چیزه ببخشید هواسم نبود _

تو که هواست نیست چیجوری میخوایی کارایی اینجا انجام بدی _

شما هم هی تیکه بنداز هواسم نبود چه میدونسم میخوایی وایسی _

خوبه زبونم داری بیاینجا جایی توه _

مرسی خوب چیکار کنم الان _

هیچی بشین منونگا کن ببین چی کشف میکنی _

چشام داش از حدقه میزد بیرون منوداش میخورد درسته نباید کم میوردم

باشه بزار قشنگ ببینم ایشات بلند شده نره تودهند _

کم نیاری مهم خودمم میخوام اصلا بره حلقم _

خیلی پروی _

جانم _

گوش که داری از تکرار به حرف مقذورم _

زود رفتم نشستم سر جام مهلت حرف زدن ندادم بهش دیدم یه عالمه پرونده آورده واسم

خانوم بناه لطفا این پرونده ها رو چک کنید بهشونم زنگ بزیدواسه جلسه _

این چی گفت بهم گفت بناه فامیلیمو مسخره کرد دارم برات نیومده شروع شد

الو هواستون کجاس خانوم بناه _

اقایی حسن من خانوم عمرانی هستم نه بنا _

ا چه جالب منم محسنی هستم _

منم عمرانی هستم _

عجب بهشون زنگ بزیدبگین بیان ساعت سه یادتون نره _

بله حتما _

یه جلسه ایی نشونت بدم کیف کنی پسره پرو

خدایا چقد پرونده اخه بیکاری مگه بااین همه ادم جلسه چی چی بزاری مردم بیکارن

هرچی زنگ میزدم مگه تموم میشد ساعت دوازده بود به همشون زنگ زدم گفتم

دهنم کف کرد انگار رباطم من

زنگ زدین _

بله_

خوبه میتونین استراحت کنید_

خوب شدگفتین نمیدونسم یه موز درآوردم شروع به خوردن کردم_

سرموآوردم بالادیدم داره نگام میکنه

چیزی شده_

تعارف کنی بدنسی_

یه نگاه به موزم کردم دیدم اخراشه یه گازم زدم تموم شد بادهنم پرگفتم

اوا ببخشید یه ذره موند که خودم خوردم_

یه ذره نه گلشو تعارفم بلندنیستی بادهنم پر حرف نزن خانوم بناه_

انقدحوصی شدم گفت بناه داشت میرف پوست موز انداختم زیر پاش این نیوفتاد

چنان با باسن پخش زمین شد فقط دلمومیگرفتم میخندیدم هنگ کرده بود

رواب بخندی اینجا شرکته اشغال دونی نیست که اشغال موزو میندازی دفع اخر میبینم_

تاشماباشین نگین بناه اقایی حسن_

دارم واست بناه روز اول این هستین وای به روازی دیگه_

راستی امروز کارامون زیاده تاشیش بمونید_

اما_

نذاشت حرفموبزنم رفت مغرور

نمیدونم چراولی یه حسی داشتم نصبت بهش یه جواری خوشم اومده از اخلاقی عصبی

شدنش نکنه بایه نگاه عاشق شدم بیخیال فکر کردن شدم به کارام رسیدم این شرکت نظم

نداشت منشی قبلی چیکار میکرد پس اینجا ساعتودیدم شیش بود

خانمه بناه پرونده هارو بیارین واسم تواتاق چاب گر_

چشم الان میارم_

قبل رفتن پاشدم برم دست به اب که دیدم شرکت خالیه کسی نیس کجارفتن اینا پس_

تق،تقی به در زدم رفتم تو

پروندههارو واردم_

الان نکا میکنم_

یه سوال چرا کسی، نیس کجارتن _

اونا واسه جلسه فردا باید یه چندجامیرفتن تحقیق میکردن زود رفتن مشکلیه _

نه _

خوبه لطفا اون پنجره باز کنید هواگرمه _

انگار کلفتشم دستورم میده اقا

رفتم باز کردم رومبل روبه روش نشستم

یهو چنان صدایی اومد دومتراز جام پریدم

چی شد _

پنجره باز کردین باد زد در بسته شد _

الان میخوایی بکین مقصر منم باید بگم که شما گفتین _

خب من که چیزی نگفتم _

من میتونم برم _

بله _

مرسی خسته نباشید خدافظ _

بسلامت_

پاشدم که برم درو باز کنم هر کاری کردم باز نشد حال من چیکار کنم باز همیشه در

چیزی شده نگو که نمیخواهی بری_

اره اخی میدونید از بس خوشم میاد اینجا بمونم_

نخیرم درتون باز همیشه

وایسا پیام باز کنم اخی تو چه به در باز کردن زور نداری که_

وا مگه در باز کردنم زور میخواد مثلا خواستین بگین مردین زور دارین_

نخواستم خودم باز میکنم

باشه پس من میشینم تو باز کن_

هر کاری کردم باز نشد خوبه یه دره نکنه لاغر شدم دیگ چون ندارم مریض شدم یعنی

بزار پیام دیدی نتونسی_

اقایی شجاع قویی بفرما ببینم چیکار میکنید_

برو کنار_

توان هیری و برری خندم گرفته بود عجب گرفتاری شدیم اینم هر کاری کرد باز شه نشد

رسماً موندیم اینجا

چیکار کنیم الان_

نمیدونم_

میزدم به در بلند دادمیزدم

کسی نیست کمکمون کنه در باز نمیشه اهای_

سر شالیزار نیستی که کسی نیست بود که باز میکرد_

خوب شد گفتین عجب مخی دارین میدونم گفتم شاید یه نفر باشه یا رد بشه_

نیس اگ بود باز میکرد جیغ جیغم_

مجبور بودیم بشینم تابه فکری ب ذهنمون برسه یایه معجزه ایی بشه هیچیم نبود که در

باز کنیم باهاش منم ناهار نخورده بود گر سنم بود حالاتوان وضع سکسکم گرفته بود

چراسکسه میکنی تو_

چیزی اینجا خوار کی ندارین گشنمه_

این همه میخوری کجات میره پس_

باید جواب بدم ناهار نخوردم_

من یدونه بیسکویت دارم بیا بخور_

مرسی_

رفتم که بگیرم دیدم یه ثانیه نشد همشو خورد بزور تودهنش جامیکرد دوس داشتم

خفش کنم

چیه چرا اینجوری نگاه میکنی اوا ببخشید یادم رفت بدم همین یه ذره بود که من_

خوردمش

کوفت شه تلافی میکنی_

نوش جونم_

ایش_

یساعت گذشت سکسکم بندنمیومدموند

الان

که صداس دراد باز

ای بابا خب اب بخور گوشم رفت_

کو اب خه_

هو است که هیچ چشاتم مشکل دارن بغل اون کمدو ببین اب سردکن هست_

اها خب ندیدم_

کل کل نکن بخور_

اب خوردم ولی انکارنه انکار امروز لج کرده باهام

وای_

چته تو دختر تر سیدم_

به خانوادم زنگ نزدم الان نگرانم میشن گوشیمم رو میز مه_

اینجام که تلفن نیست بیاگوشی منوبگیر من که هر کاری کردم انتنم نیومد که زنگ بز نم_

ببین تو میتونی

مرسی_

گوشیو گرفتم زودباید زنگ میزدم اما انتن نداشت هی چرخیدم تا انتنش بیاد که یهو پام

گیر کرد به سیم چاب گر داشتم می افتادم که منوازیشت یکی گرفت

دستش رو کمرم بود خم شده بود جلوصورتم جوری که نفساش به صورتم میخورد

چشایی قهویش یه حسی به ادم میداد این چه حسیه اخه همین جوری بودیم که یکی درو

باز کرد هول کردیم زود خودمجمع جور کردم

آرین تو اینجایی از کی دنبالتم چرا چیزی نگفتی زنگ نزدی_

در باز نمیشد هر قدم در زدیم کسی جواب نداد اینجا که تلفن نداره خانومم که_

گوشیون رو میزشونه منم که گوشیم انتن نداشت

باشه حالا بیاین_

اول من مثل چی پریدم بیرون گوشیمو گرفتم ده میسکال داشتم از خونه و بابا زوزنگ

زدم

الو بابا سلام_

الو اوا کجایی تو چرا زنگ میزنی جواب نمیدی_

بیخشید بابا قضیعی طولانیه میام میگم الان راه میوقتم که پیام نگران نباشید_

باشه عزیزم زودبیا_

کیف مو ورداشتم داشتم ارین گفت

وایسامیرسونمت شبه_

نه ممنون میرم_

گفتم میرسونم_

حرفی نزدم پست سرشون رفتم دوستش محمدجلونشست منم پشت عجب ماشین

میشینی انگار داخل هواپیمایی ولم میکردم پامودراز میکردم میخواایدم

از کدوم طرف_

دیگه نزدیکه زحمت نکشین میرم پیاده_

دختر تو اصلاح حرف گوش کن نیستا کدوم طرف_

مرسی از نظرتون کوجه بیست یکم ممنون_

منورسوندم خدافظی کردم رفتم بالت درو باز کردم سلام دادم مامانم بدقاطی کرده بود

معلومه کجای تو اوا مردم زنده شدم گوشیتیم که هیچ وقت جواب نمیدی_

زهرا اروم باش بزار برسه خودش میگه چی شده_

کل داستان گفتم خندیدن مامانم اروم شد

مامان شام چی داریم_

ماکارانی باته دیک سیب زمینی_

به به بریم پس_

اجی از روبگم از الان تیک برامنه اون سری تو خوردی_

نه بابامن عاشق ته دیک سیب زمینی ام_

سرمیزانقدکل انداختم که بابام گفت

دعوانکنیداصلا بیاین منم بخورین_

طرز گفتن بابام خیلی باحال بود همون خندیدم ته دیکم خوردیم انقدخسته بودم رفتم

بخوابم

باصدایی گوشیم پاشدم دیدم ارزو خوابه بایدتلافی میکردم خدا روشکر یدونه موش ژله

ایی از شمال گرفته بودم یادگاری اخه کسی نیس بگم اینم یادگاریه

اونو ورداشتم گذاشتم بغل صورتش شروع کردم به داد زدن

وای ارزو موش_

این دختر رسماً دلگ بود باشد رو تخت بالاپایین میگردد میگفت

الان میره تو گوشام بگیرش بکشش لهش کن تیک تیکش کن مامان_

دلگ گرفتم میخندیدم ازیه طرف طرزگفتنش ازیه طرف بالاپایین کردنش انقد خندیدم که

نگو بدتازه فهمید کار من بود

وای جعبه خندم ترکید ارزو اول صبی رقصت گرفته_

اره دارم عربی میرقصم همراهیم کنی عالیه میشه واقعا که داشتیم سکنه میکردم_

ارزو اوا چتونه اول صبی_

مامان تو رو خدا اگه نون خشکی سر کوجه اومد فقط بده بره_

ارزو خودت به نون خشکی برو تازه شلوارشم دو نفرس جامیشین نیاز به خرج اضافم_

نیست

خجالت بکشین بیاین صبونچه بخورین از دست شما دونفر_

کلی خندیدم خوبه ارزو هست میخندم دوشی دارم

زوداماده شدم برم دیرم نشه یه لقمه بزرگ درست کردم رفتم سرکوچه رسیدم دیدم

یکی هی بوق میزنه

مردم اول صبحم ول نمیکنن مامیگیم قعطی شوهر نگو قعطی دختره اول صبحم دنبال_

ادم میان

خیلی از خود راضی هسی_

صداش چقداشناس این که آینه

سلام_

دیدم داری میری باون لقمه بزرگت گفتم مسیریکیه برسو نمت اول صبحم شدیم مزاحم_

چرا چون قعطی دختره

اینو که راست گفتم ولی نمیدونسم شماین بیخشید فکر کردم مزاحمه_

عین نداره بیا سوار شو دیر برسی اخراجی_

پی خودتونم اخراجین اگه من دیر برسم شما منو دارین میبرین دیگه_

رونو برم دختر_

سوار ماشینش شدم چرا دورغ خوشم اومده ازش خیلی باحاله هر چندیکمم تخسه ولی

خوبه مهربون رسیدیم دم شرکت تشکر کردم رفتم به کارام برسم

از زبان آرین

دختر خویبه به دلم نشسته چشایی مظلومی داره نمیدونم چرا به دلم نشسته امروز یه_

جلسه خیلی مهم دارم از دیشبم یه متن نوشتم واسه سخنرانی رفتم پشت میز نشستم به کارام

برسم فکر این دختره از سرم بیرون نمیره دختر سنگینه اروم درعین حال زبون دراز ولی کل کل

باهاش دوس دارم حال میکنم انقد ساعت زود گذشت ساعتودیدم شده بود دو یه ساعت دیگ

جلسه دارم متن یه بار بخونم که خراب نکنم هرچی دنبالش گشتم نبود

وای خدا چیکارش کردم خیلی مهمه واسم وای ابرومم میره خیلی هول کرده بودم عصبی

بود یهو یکی در زد اوا بود

بفرماید_

اقایی محسنی امروز جلسه دارین اینم پرونده هایی که میخواستین_

مرسی_

بخشید چیزی شده انگار خیلی عصبی هستین_

راستش متن سخنرانی گم کردم خیلی مهمه اگه نباشه ابرومم میره_

موضوعش چی بود_

بهش گفتم دیدم چیزی نگفت رفت این دختر یه چیزیش میشه

از زبان او!#

دلَم واسش سوخت یه چندبار واسه بابام متن نوشته بودم برای جلسش تو اداره شایدتونم

کمکش کنم رفتم یه متن واسش نوشتم

خدا خدامیکردم که خوشش بیاد ابروشم نره دوباره رفتم تو اتاقش ولی در نزدَم چون

دیرشم شده بود رفتم داخل اتاق دیدم بد عصبیه

اقایی محسنی_

بله_

زنک زدم کنسل کردم حرص نخورین_

چی چیکار کردی_

دیدم بد عصبیه بیخیال شوخی شدم

شوخی کردم اینم متن امیدوارم خوب باشه کارتون راه بیوفته_

بده بینم چیکار کردی مگه توام بلدی_

ساکت شده بود قیافش عجیب شده بود یعنی متنم

بدشده انقد که تعقیر چهره داده که یهوگفت

این از متن منم عالی تر شده چیکار کردی تو دختر مرسی_

جدی خوشحالم که کمکتون کردم الانم برین دیرتون نشه موفق باشین امیدوارم که_

کارتون خوب پیش بره

خیلی ممنون خدافظ_

بسلامت_

رفت منم به کارام رسیدم ساعت چهارنیم بود که دیدم بایه جعبه شیرینی اومده

خانوم عمرانی واقعا ممنون انقدمتن تون خوب بود که قرار دادم بستن باهامون بفرما_

دهنتونوشیرین کنین

جدییی خیلی خوشحال شدم افرین مرسی_

نوش جان افرین به شما نه ما دارین میرین_

بله ساعت چهار نیمه کارامم تموم شدن_

میخوااین برسونمتون_

نه ممنون اژانس دم شرکته مرسی_

خسته نباشین بازم ممنون_

خواهش میکنم خدافظ_

رفتم سوار اژانس شدم به سوی خونه خیلی خسته بودم دروبازم کردم سلام دادم

بدون حرفی رفتم بخوابم

یه هفته بعد

رفتار آراین خیلی عوض شده بودمهربون ترم شده بود دیگه مث اولاتخس نبود توشرکت

یه دوستم پیدا کردم اسمش مریم خیلی دختر خوبیه دیگه تومسیر خونه تنهانسیم

صمیمی شدیم فردا قرار که دست جمعی بریم کوه حتا آراینم میاد

اوا بیاناهاار دخترم_

چشم مامانی اومدم_

رفتم سرمیز که ناهار بخورم بایدبگم که فردانسیم

راستی من فردا صبح میرم کوه با بچه ها شب شایددیر پیام نگران نشین_

اجی اوا منم پیام باهاتون_

اره چرا که نه تازه خوش میگذره_

ایول_

خوبه دیگه دوتاتون واسه خودتون تصمیم میگیرین من که مادرتونم نقش هویج دارم_

منو ارزو انقدخندیدیم طرز گفتن مامانم بامزه بود

مامان میخواین شماهم بیان_

نه شوخی کردم برین خوش بگذره مواظب همدیگم باشیم_

چشم_

ناهارم خوردم امروز جمعس شرکت تعطیل ادم توخونه حوصلش سرمیره یهوگوشیم زنگ

خورد

به به اوا خانوم کم بیدایی زنده ایی هنوز_

روتوبرم دختر من تاتونگشم نیمیرم مطمئن باش_

نگو توالانشم منوکشتی_

دیونه _

خوب بسه زیادی مزاح کردیم امروز چیکار میکنی_

هیچی خونم بیکار چطور_

خوبه پس آماده شو میام دنبالت بریم پارک یکم بچرخیدم_

فکر خوبی بهتراز خونه موندنه باشه من برم آماده شم کاری نداری دخیل_

قربونت دخیل گفتنت پسمل نه ده دقیقه دیگه دم خونتونم_

باشه دفع اخر میگی پسربهم خدافظ_

خب حالا خدافظ_

رفتم درکمدباز کردم یه شلوار گرمی برداشتم با مانتو مشکی با شالوکیف گرمی

هرچند زیاد اهل ارایش نیسم ولی یکم که بد نیسی یه برق لب یه خطم چشم حله خدایی خوشگلم

یه ب*و*س محکم واس خودم فرستادم رفتم

مامان من میرم بیرون بامیرم_

زودبیا مواظب باش۔

چشم خدافظ۔

بسلامت۔

رفتم پایین دیدم مریم همون موقع رسید

نه افرین خوشم اومد به موقع میایی۔

بله پس چی فک کردی شما سوار شو۔

سوار شدم اهنگ تا آخر یاد کرده بود پرده گوشم داش پاره میشد بلند صداش میزد

مریم۔

مریم۔

چته چرا داد میزنی کرم مگه۔

کمش کن مگه عروسیه ملت دارن نکامون میکنن سنگین باش خانوم۔

اوه چه لفظه قلمم حرف میزنی۔

تواخراز من یه کتک میخوری۔

بیرپایین رسیدیم پارک ملت۔

بیرچیہ بی ادب۔

اوا۔

کوف۔

اخہ ساعت چہارظہر کی میاد پارک کہ مااومدیم۔

عمت۔

من تو میکشم وایسا۔

مریم بدو من بدو یہ چندناپسرم بودن مسخرم میگردن موش بدو گربہ تورو نگیرہ

از یہ طرف نفس کم اوردم از یہ طرف دیگہ خندم گرفته بود

مریم وایسا نفسم۔

کم اوردی چہ زود۔

ہمہ کہ مٹ تو قہرمان نیسن۔

خجالتم نده خواہر بیابریم تاب سواری یاد بچہ گیا۔

خجالت بکش خرس خنده مگه جامیشی روتاب واسه بچه هاس مگه بچه ایی تو_

کودک درونم پیدا کردم ناز نکن بیا جامیشیم_

رفتیم من ریزه میزه بودم بزور جاشدم امامریم یکم توپله قیافش خیلی بانمکه گونه

برچسته چشم موابروبی مشکی دماغی که به صورتش میومد فقط یه کوچولو توپله وگرنه که

خیلی بانمک خوشگله

رفت سوارتاب شه خودشوبزور داشت جامیکرد

شاید یه بچه ایی توپله باشه چه گ*ن*ا*هی کرده اخه جانمیشه که _

الهی جانمیشی _

میشم بیینم آا نشستم_

این اومدبشینه تاب رفت عقب این با باسن پخش پارک شد دستش روباسنش بود

من انقدخندیدم انقدخندیدم یهودیدیم چندنفر دیگم دارن میخندن برگشتم دیدم همون

پسران

اوا کوفت نخندپاشودستموبگیر بلندشم ابروم رفت_

تاتوباشی گوش بدی گفتم جانمیشی واسه بچه هاس_

خوب نصیحت نکن باشو دیگه کم بخند_

رفتم کمکش کردم تا خودماشین دستش رو باسنش بود میگفت شکسته فک کنم منم هی

میخندیدم

شاید باورت نشه پخش پارک شدی قیافت دیدنی بود_

دختر مردم ار خنده

همه که مت تو مار ملک نیسن که_

مار ملک بودن بهتر از توپ بودن_

انقد کل کل کردیم نفهمیدم کی ساعت شد شیش

مریم بریم دیرم شد باید برم خونه_

بریم راس میگی_

منور سوند دم خونمون رفت رفتم خونه واسه همه تعریف کردم کلی خندیدیم شام خوردم

رفتم رو تخته و لوشدم به گوشیم اس ام اس اومد

نه اینکه آرینه_

سلام خانوم عمرانی امروز خیلی خوشگله شده بودین بهتون خوش گذشت_

سلام مرسی ولی شما منو کجا دیدین_

تویی پارک بامادرم بودیم که دیدمتون فردا میان کوه_

بله میام شما چطور_

بله منم میام مشتاقم واسه فردا شما ببینم_

چیزی شده آقای محسنی_

فردا میگم بهتون شبتون خوش_

شب شما هم خوش_

این فردا چی میخواد بهم بگه وقتی اس ام اس داد قلبم شروع کرد به تند تند زدن به حسی

داشت انگار دوش دارم الان چندماه که تو شرکتش کار میکنم خیلی خوب شده باهام کلی

میخندیم بهم کمک میکنیم یعنی چی میخواد بگه پنج دقیقه نکشید خوابم برد

از زبان آرین #

اره این دختر به دلم نشسته من دوش دارم باید ازش درخواست ازدواج کنم

میدونم خوشبختم می‌کنه تو رویاهام همچین دختری میدم ولی الان واقعی میبینم

میخوامش به مامانم گفتم امروز نشونش دادم

انگار خوشش اومده

فردا بهش بگم

نگه نه نکنه از من خوشش نیماه خدا جونم خودت کمک کن

مشتاق فردا بودم زود خوابیدم

از زبان او!#

صب بلندشدم

ارزو باید بیدار میکردم دیرمون نشه

ارزو باشو دیگه اینجوری میخوایی بیایی کوه بدو دیرمون میشه ها_

اوف خواب دارم_

باشه پس من خودم میرم_

رفتم دستو صورتو بمشورم صبونچه خوردم رفتم امده شم که دیدم ارزو امادس یه عینک

موش کوریم به چشمش زده

ارزو تو که خواب داشتی مبینم روزت را من آماده شدی اون عینک موش کورانت چیه_

دیگه

اجی یکم بامد پیش برو عینک موش کوری چیه دیگه_

بیامنوبخور والا زبونی داری_

نه مرسی میرم صبونحه بخورم_

روتوبرم من دختر_

رفتم آماده شم یه شلوار مشکی پوشیدم بایه تونیک پوست پیازی و مقنع

اینجوری راحت ترم یه کتونی هم رنگ تونیکم یه کوله که وسایلموتوش گذاشتم زنگ زدم

به مریم

الوسلام خوبی مریم من امادم بیا_

سلام باشه عزیزا و مدم بیاین پایین_

باشه_

رفتیم سوار ماشین مریم شدیم دوساعت تو راه بودیم بلخره رسیدیم

فقطی که رسیدیم آراین بایکی از دوستاش بود سلام علیک کردیم رفتیم

اوا_

این آراین بودبهم گفت اوا واقعا اسممو صدا کرد هول شدم دیدم ارزو از مون جدا شداین

دختر چقد زرنگه

بله_

میخواسم یه چیزی بهت بگم چیجوری بگم_

باشه بگین_

راستش از اون موقع که اومدی شرکت به دلم نشستی حتا کل کل باتوام دوس دارم_

نمیدونم یه حسی دارم اوا من میخوام بهت بگم دوستت دارم بامن ازدواج میکنی

من هنگ کرده بودم آراین ازم درخواست ازدواج کرده هول کردم تو حال خودم نبودم

از حرفتون خیلی شوکه شدم_

ببخشید خیلی زودو هول هولکی گفتم اما من واقعا دوستت دارم اون روز تو پارکم به_

مادرم نشونت دادم خوشش اومد

من واقعا نمیدونم چی بگم_

که یهو ارزو پرید وسط

ا بلخره یکی اچی اوا مارومیگیره _

ارزو باز تو حرف زدی _

اچی اگه بری خودم عروسی میگیرم اصلا _

ببینم ارزو خانوم چقد نذر نیاز کردی که خواهرت شوهر کنه _

نمیدونم والا ه زیاده _

سه, نفریمون خندیدیم

بسه بریم مثلا اومدیم کوه _

اونم چه گوهی _

از زبان مریم #

اوا آراین چی میگفت بهت که الان نیشتم بازه _

مریم شاید باورت نشه چیزی که تو دلم بود خودش اومد بهم گفت بهم ازم خواستگاری _

کرد گفت دوسم داره مریم خیلی خوشحالم آراین پسره خویبه از اول به دلم نشست

مریم الو کجارتی۔

من ہیچی بریم صبونحه بز نیم تورگ۔

بریم۔

اینوبکم امروز همه گی مهمون منین۔

ن بابا آراین از کی دست دل باز شدی منی که دوستتم دعوت نکردی تالان۔

لیاقت میخواد اقا محمد۔

اوه۔

من گشمنه۔

ارزو الان کیک خوردی که۔

تواز کجادی من کیک خوردم۔

منم برم به جابشینم یواشکی به چیزی بخورم بغل لباموپاک نکنم همه میفهمن دیگه۔

همشون زدن زیر خنده ارزو تو اون حال قیافش دیدنی بود فک نمیکرد من بفهمم

آراین صبونحه دعوتمون کرد ولی نمیدونم چرا مریم پگر بود

مریم چته چرا اخماتو همه۔

من هیچی نیس خوبم۔

بچه ها بسه کم بخورین پاشین بریم۔

پاشدیم بریم آراین ارزو محمد کلی مسخره بازی در میاوردن مردم و سرکار میزاشتن

تورویاهایی خودم بودم با آراین من دوشی داشتم باورم همیشه ازم خواستگاری کرده

نمیدونم چی شد افتادم زمین

اوا خوبی چیزیت نشده بینم پاتو۔

خوبم اقایی محسنی چیزیم نشده۔

اجی شوهر کردن که هول کردن نداره۔

اِ به بگواقا آراین چرا امروز مهمونمون کردن من میکم این مهمون نمیکنه نگوجریان اینه۔

حسودیت میشه اقا مملی۔

نه داداش توزن بگیری که خوبه عقلت میاد سر جاش۔

دیونه۔

اوا میخوایی بریم دکتر مطمئنی خوبی هواست کجاس اخه_

گفتم که خوبم نگران نباشین_

والاه ماهاکه نگران نیسم اقا آراین داره پر پر میزنه_

فک کنم دیشب شما ارزوتواب نمک خوابیدین_

من نه اجی روتختم بودم خودت که دیدی_

راست میگه منم روتختم بودم همتون شاهدین_

بامزه_

مریم چشم شده بود حرف نمیزد برعکس ارزومحمد هی حرف میزدن آراین هی میگفت

خوبی چیزیت نشده از اینکه نگرانم شده بود خوشم اومد

اوا_

بله_

یه جونم بگی چی میشه_

اوه خب جونم_

دیگ بهم نگو اقایی محسنی_

چی بگم خوب_

اوا خانوم قراربشم اقا بایدبگی آرین_

فقطی بهم گفت قراربشم اقات ته دلم خالی شد چقد دوست داشتم دوباره همین کلمه

تکرار کنه

اوا هواست کجاس نکفتی نظرت چیه؟؟_

آرین بایدفکر کنم_

یه بار دیگه اسممو بگو_

وا آرین_

از دهنه تو گفتن آرین چقد شیرینه اوا میدونم زود گفتم زود دل بستم به میگن ادم یه_

دل نه صد دل عاشق میشه با یه نگاهمینه من اعتقاد پیدا کردم همون روز اول هنگ بودنت

چشایی مظلومت به دلم نشست تونمیخواوی چیزی بگی اوا حرفتوبزن

شمادوتاچی میگین اینجا بیاین دیگه_

به موقع به دادم رسیدم دلم میخواست بگم منم همون روز اول به دلم نشستی اما به زبونم

نیومد قفل کرده بود رفتم پیش اون سه نفر نفهمیدم چرا مریم اینجوریه

مریم چته شده امروز توکه همیشه خداشنگول بودی امروزه چته شده_

هیچیم نیس_

مریم تکون بده هو کون بده مریم باید برقصه از شوهر نداشتش نترسه پاشو مجلس گرم_

کن

اقامحمدزرنگی خودت تکون بده_

اخه یادم رفت توپی تو_

همه خندیدن این محمد عجب بشیری بودا

کجامن تویم از تو نوک مدادی که بهترم اهامیترسی برقصی بشکنی_

واه واه دخترایی الان کم نیارن_

راست میگه اقامحمد پاشو برقص واسمون منم جیغ اوا دست اقا آرینم اهنگ میزنه_

مریمم سوت تکمیلیم حله

باشه هر کی نرقصه بزنین برقصم_

ارزو اهنگ kouros ناز نکن خوندماهم پشت بندش

ناز نکن نازکن بادل عاشقا قهر و اواز نکن_

تاب*و*سم لبات فقطی خواب چشات تاجشات شانه ایی سرظلف ه سیات_

ای دختر بندری خوشگلودل بری توبانازو ادات دل بل میبری_

نازنکن نازنکن بادل عاشقافهرواوازنکن_

تاجشات شانه ایی سرظلف سیاه_

ابرو کمون بالوبلندی یاربندری خیلی قشنگی کاشکی بیایی بامو بمونی با دل زاروم_

عهدی بندی

چشات ب دل اتیش کشیده چشات سیاه روم رنگی پریده_

ای دل بروم قدت بلنده چشات سیاهوموهات کمندی_

حالادست دست_

بابا ارزو دمت گرم_

فکر نمیگردم بخونی عالی بود

خجالتم ندین ای بابا_

خیلی خوب بود آرینم میزد رو سبده میوه ها

خیلی باحال بود فکر نمی کردم ارزو بخونه یهو آرین گفت

بابا ارزو دمت گرم عالی بود_

خجالتم ندین بریم اهنک غمگین بخونیم_

صداتو گرم نگه دار تاشب کلی مونده_

پاشین بریم به جایی توپ_

کجا_

پاشین جایی بد نمیبرم که_

بریم داداش من پاییم دخترا نمیدونم ولی ارزو پایس معلومه_

من چهار پاییم_

منم میام بریم مریم تومیایی_

نه من خونه کار دارم باید برم به شما خوش بگذره_

پس شما دو تا بیاین توماشین ما_

باشه_

نمیدونم چرا مریم امروز اینجوری بود منم زورش نکردم بیاد وسایل جمع کردیم رفتیم

سوار ماشین آرین شدیم اهنک رامین بی باک گذاشته بود عاشق این اهنکم

به من یه فرصت دیگه بده نگو چیزی نبوده بینمون _

تورو خدا فقط واسه یه بار روحرفایی که زدی بمون _

نباید اینجوری جدابشیم اخی هنوزم عاشق توام _

توهر چیزی که بگی باجونو دل موافقم _

دوباره دستاموبگیر بزارتموم شه این روزایی لعنتی نمیخوام اینجوری تموم بشه روزایی _

که باتو قدم زدم

*

*

*

آرین داشت از اینه ماشین نکام میکرد من عاشق آرین شدم چشاش باهام حرف میزنه

باآرین رویاهایی دارم میخوادبشه مرد من فکر نمیکردم روزی منم انقدکسیودوس داشته باشم

اقاآرین تمام غصه وبدهکاریم اومدجلوچشام اهنکو عوض کن _

!ارزو قشنگه من دوشش دارم _

راست میگه بچه منم یاد زن نداشتم افتادم اهنگ بعدی_

اخه محمدکی به تو زن میده که به فکرشم افتادی_

پ نه پ به تو زن میدن من جمه_

هیچی خول وزنی_

زدیم زیر خنده انتداین دوتا غرزدن عوض کردیم اهنگو شادگذاشتن این دونفردیونن ارزو

محمد از صبح مردم و سرکارمیزارن هرکی میدیدن کلشونومیداختن بیرون میگفتن اقا پولت

افتاده زمین اونا دور خودشون میچرخیدن کلی خندیدم که رسیدم پارک ارم

اخجون پارک ارم_

دمت گرم ارم و عشقه پاییه ترم هوایی به حساب آراین _

منم که خدادادی چهارپاییم اقا آراین حساب میکنه به به_

شما دوتا منوامشب خالی نکنید همیشه_

بابا آراین خسیس نشو یه امروزه_

خب بابا بریم_

اون دوتا جدا جدا رفتن منو آرين تنهامونديم به اين دونفر نگاه ميكرديم چه جورم شدن با

يهو آرين در گوشم گفت

خانوم من به امروز هواسش كجا توماشين به چي فكر ميكردي اوا_

به نو_

جدي_

اوهوم_

به چي فكر ميكردي حالا_

.....اينكه_

تاتونسم دويدم آرين پشتم اون دوتامثل گيجا نكامون ميكردن هنگ كرده بودن

انقددويدم نفسم گرفت

خانومم نميتوني فراركني بگو اينكه چي_

بازمو گرفته بود توچشام نگاه ميكرد فقط

آرين_

جونه آرین_

میخوام بگم دوستت دارم_

چی دوباره بگو_

من دوست دارم_

اوا درست میشنوم توام دوسم داری_

اوهوم_

اومدنزدیک تر درگوشم زم زمه کرد

من عاشقتم خانوم_

باگفتن حرفش قلبم شروع کرد به تند تند زدن

اوه لیلی مجنون_

حرف نباشه بیاین بریم_

من برم بلیط بگیرم واسه ترم هوایی_

اجی آرین دوست داری_

شایدباورت نشه ارزو میکن بایه نگاه عاشق میشی همینه روز اول شرکت نگاه کردنش_

ادمودیونه میگرد کل کل کردن باهاسی امروز بهم گفت اونم دوستم داره باورت میشه ارزو

اره بهم میان عشق دیگه خبر نمیکنه که_

به کسی نگو باشه_

این قلب من جایی امنیه خیالت راحت_

افرین بریم_

رفتم سوار ترم هوایی شدیم ترسیده بودم منوارزو یه جا محمدو آراین یه جا

یه چندتا پسرودخترم جلومون

اول میگفتن بریم جلو من مخالفت کردم همینم بزورسوارشدم

آراین ومحمد,جلونشستن منو ارزوعقب ترم شروع به رفتن کرد ازمن بودعمر

سوار میشدم ولی مجبورشدم نباید ضعف نشون میدادم مسخرم میکردن ترسو قلبم داشت میومد

تو حلقم روم نمیشد جیغ بزیم یهودیدم آراین ومحمد شروع کردن به داد زدن منم که ازخدا بود

داد زدم ازیه ورم ارزو همه چیوقاطی کرده بود میگفت

یا خدا یا ابولفضل خدا غلط کردم_

خندمم گرفته بود خیلی ترسناک بود قیافه همون دیدنی بود هی دعا دعا میکردم تموم

شه بلخره شد پیاده شدیم

وای من دیگه سوار نمیشم نمیدونسم کدوم امامو صدا بزنم_

ارزو خیلی باحال بود از جیغ دادت خندمم گرفته بود_

خودتون دیدی قیافت دادمیزد غلط زیادی کردم_

بچه ها عکسو ببینین_

وای منو دهنم چقد بازه_

چشایی محمدو وای دلم_

فقط میخندیدیم بعدش رفتیم پیتزا خوردیم انقد خسته بودیم زوداومدیم

دستتون درد نکنه خیلی خوش گذشت_

خواهش مگه میشه باشما باشیم خوش نگذره_

آرین خوبه نگفتی مگه میشه من باشم خوش نگذره_

محمدپیادات میکنم خودت بری خسته نشدی از صبح بانمک بودی_

اوه اقا قاطی کردتسلیم_

برین دیگه خسته شدم مرسی خدافظ_

ارزوم قاطی کردخستگی زده ب سرهمتون_

ممنون دیگه منم برم خدافظ_

خدافظ_

رفتیم بالا سلام دادیم انقدخسته بودیم قبل خواب به آراین فکر میکردم خانومم گفتنش اوا

گفتنش,برام خیلی شیرینه آراین رویای منه

صب بایدبرم شرکت بایدزودم.بخواهم بافکر کردن به آراینم خوابم برد

اوا دخترم پاشو بایدبری شرکت

ساعت چنده_

هفت پاشو دیرت نشه_

بزور پاشدم اماده شدم مثل همیشه به لقمه بزرگ د به دو رفتم سوار تاکسی شدم رفتم

شرکت دنبال مریم گشتم نبوداین دختر کجاس زنگ زدم بهش

الو مریم زنده ایی_

سلام بلدنیسی به قول خودت تاتونگشم نمیبرم_

خب بابا اول صبحی منونخور سلام خوبی چه خبر چرا شرکت نیسی_

حالم, خوب نیودنیومدم دیروز خوش, گذشت_

چرا میخوایی پیام پیشتر ارج جات خالی دیدمت تعریف میکنم_

نه عزیزم مرسی به آرین بگو نیام_

باشه کلم زنگ زدم حالتو پرسم ببینم چرا نیومدی_

فدات یادت نرع بگی ممنون خدافظ_

باش خدافظ_

رفتم که به آرین بگم اینم نبود وا امروز چرا هیچکس نیسی کجان پس به کارام رسیدم

ساعتودیدم ۱۱ بود آرینم نیومدع بود یهو گوشیم زنگ خورد خونس که

الو جانم_

سلام او خوبی امروز زودبیاخوبه شب مهمون داریم_

سلام مهمون کیه نمیتونم زود پیام اخه مدیر مونم نیسی_

بیامیفهمی کیه فقط زود بیایا_

باشه بینم چی میشه_

یعنی مهمونمون کیه بایدزنگ بزnm به آرین بهش بگم

الوسلام خوبین_

سلام خانومم مرسی خوبم شماخوبی الان میخواسم زنگ بزnm بهت_

مرسی منم خوب چرا امروز نیومدی کجایی_

من واسم یه کاری پیش اومد مجبور شدم صبح بلیط بگیرم برای کیش ببخشید نشدبگم_

شرکتی

اره منم هستم مریمم نیومده آرین زنگ زدم بگم امروز من زود میرم خونه فکر کنم شب_

مهمون داریم مشکلی که نداره

نه عزیزم برو مواظب خودت باش_

باشه آقای توام همین طور خدافظ_

قربون آقای گفتنت خدافظ, خانوم_

بهترین حس اینکه که آرین دارم من دوش دارم خیلی

باید کاراموکنم برم

تند تند انجام دادم داشتم میرفتم که گوشیم زنگ خورد

الو جانم مامان_

اوا خوبه گفتم زود بیا کجایی تو_

دارم میام چرا عجله داری مهمونمون کیه خب_

بیا خودت میفهمی_

دارم میام چیری نمیخواین_

نه زود بیا خدافظ_

واچرامامانم امروز اینجوریه عجله داره زود رفتم تاکسی گرفتم برم خونه فقط رسیدم

مهلت حرف زدن بهم ندادن

اوا برو حموم بدلباس خوب بپوش_

تانیگین مهمونمون کیه کاری انجام نمیدم باباشما بگین خب کیه_

حرفی ندارم_

پس منم نه حموم ميرم نه لباس ميبوشم اصلا از اتاق بيرون نيام.

اوا دختر امشب برات خواستگار مياد پس برو.

چی یعنی چی چرا بهم نگفتين ارزو.

من هيچ كارم.

بگين نيان.

بيخود حرف يكبار ميزنن برو.

بايد زنگ بزني به آرين من فقط آرين خودموميخوام نه كسه ديگه

الو آرين.

سلام جونم.

امشب برام خواستگار مياد من چيكار كنم من نميخوام.

اوا اروم باش.

يكاري كن اخه نميشه كه.

من الان كيشم كاري ازم برنمياد هر چي قسمت اك خوب بود برو.

چی خودتی مگه نگفتی دوسم داری اينه دوس داشتنه به همين راحتی حرفتوميزنی.

برو

اوا من بایدبرم کاردارم ایندع و زندگی خودته من پایی حرفم هسم دوست دارم ولی_

کاری ازم برنمیاد

گوشیوقطع کردم باروم همیشه این آرین باشه یعنی همه حرفاش دورغ بود پس رویاهایی

من چی من بهش وابسته شدم مگه میشه اوف

توکه آماده نشدی برو الان میان_

اما_

اوا چیزی نشنوم زود بیالان میان مابهت یادندادیم که روحرف بزرگترت حرف بزنی_

ابرومنوباباتو نبر آماده شدی بیا

باشه_

باید آماده میشدم پسره تخس حرفاش دورغ بود اکه دوسم داشت این حرفونمیزد

تااخرش میموند نمیتونم مامان بابامو کوچیک کنم ابروشونوبرم رفتم یه دوش گرفتم زوداومد

لباس پوشیدم

یه شلوار سفیدپوشیدم با تونیک صورتی خوش رنگ وشال سفید مثل همیشه ازارایشم

خبری نبود جز برق لب

من امادم_

بیاین میوه هارو بزار رومیز_

ارزو بیا کارت دارم_

بله_

کی قرار بیاد_

مامان او مدم_

ارزو_

دوس دارم خفش کنم انقد حرص خوردم یک کیلو کم کردم ایفون زنگ خورد

اوا بدو_

الان باز میکنم_

ایفون زدم در وردی باز کردم اول یه زنی که بهش,میخورد چهل دو

ایناباشه اومد

سلام خوش اومدین_

سلام دخترم مرسی_

پشت سرش ی بیرزنی بود نه اینکه همون پیره زنیه که از خیابون ردش کردم

سلام مادر جون خوش اومدین_

آ آ سلام خانوم تو همون دختری نیسی اون روز منو از خیابون رد کردی_

بله مادر جون منم خوش اومدین_

دنیا چقد کوچیکه مرسی دخترم_

هنگ کرده بودم بدپیرزنی به دختر جوونی اومد سلام علیک کردم بعدش به مردی که بهش

میخورد پنجاه چهار اینا باشه باز سلام علیک کردم چقد زیاده تموم بشونیس بدش یکی وارد شد

که

یکی بود که به دست گلی بزرگ که گلهایی رزقرمز سفید تزیین شده بود عاشق گل

رزقرمز سبد گل کنار رفت نه این آراین خودمه اروم در گوشم گفت

سلام عشق آراین دیدی که دوستت دارم_

خیلی نامردی میدونی چقد حرص خوردم_

الهی ببخشید_

بفرمایید تو_

فکر کنم خیلی ضایع بودیم با بابام مامانم سلام علیک کردن رفتن نشستن باید چایی

بیارم دیگه

چیه خوشحالی تو که نمیخواسی دیدی آرینه شادشدی_

اما مامان شما_

ارزو همه چیزو بهم گفته بود صبح رفتی شرکت یکی زنک زد خونمون مامان آرین بود_

بهم گفت آرین تو میخواد امشب قرارخواستگار گذاشتن منم به بابات گفتم قبول کرد

که ارزو خانوم قلب شما جایی امنه شب کارت دارم_

مامان از زبونم کشید چیکار کنم_

چایی ببر اوا برو دخترم_

چشم_

چایی بردم اخر به آرین چشم خورد به چشایی قهوه ایی آرین این چشم مال منه حتا

بانگاه کردنشم آرامش دارم

پسرم وردار دسته عروسم درد گرفت_

چشم مادر جون_

بابایی آرین گفت

اقایی عمرانی اومدیم برای امر خیر دل پسرم اینجامونده اگه اجازه بدین بریم سر اصل_

مطلب

بله بفرمایید اجازه مادست شماس_

اگه موافق هستین این دونفر برن اتاق حرفاشونو بزنن هر چند حرفاشوزدن_

همه خندیدن من داشتم از خجالت اب میشدم که اون پیرزنه که فکر کنم مادر بزرگ آرینه

به پدرارین گفت

پسرم نگو عروسم لباس گل انداخت برین حرفاتونوبزنین اگه اقا عمرانی اجازه بدن_

خواهش میکنم این چه حرفیه_

پاشدم پشت سرم آرین اومدرفتیم اتاق خودم

خانومه آرین ایوا کیلم_

بعله_

اوا رویاهامون داره به حقیقت تبدیل میشه باورت میشه_

اره آرین من دوستت دارم_

منم دوستت دارم بریم حرفی نمونده که بز نیم قبوله_

قبوله_

آرین چشمک زدو رفتیم پذیرایی انقد خوشحال بودم ولم میکردن قرم میدادم اون وسط

عروس انقد سبک

از قیافه دوتا تو معلومه که موافقین_

دوتامون ساکت بودیم

بیاین بشینین اب شدین_

خوب اقای عمرانی هفته بدسه شنبه عقد کنن_

بله مبارکه_

همه دست زدن شیرینی تعارف کردم

خیلی خوشحال بود شیرینی خوردن یکم حرف زدن خندیدن من تورو یا هام بود توجشایی

آرین نگاه میکردم دلم نمیخواد ازش چشم وردارم که باباش گفت

اقاعمرانی مادیکه رفته زحمت کنیم مبارک باشه از فردا برن خریدایی که لازم انجام بدن_

واسه سه شبه

بله حتما شما مراحمی خوشی اومدین_

اینم بگم مازیاذ نمیزاریم نامزدباشن حداقل یه ماه یا کم تر شما که مشکلی ندارین_

نه اینجوری بهتره موافقم اقای محسنی_

دیگه بریم دستتون درد نکنه دختر گلم مبارک باشه خوشبخت بشین_

ممنونم_

خب دیگه ما رفتیم با اجازه_

بامادر و مادر بزرگش خواهرش روب*و*سی کردم رفتن منم رفتم بغل پنجره از اونجا آرین_

میدیدم داشت سوار ماشین میشد بالا رونگاه کرد بهم چشمک زد سوار شدورفت

از خوشحالی نمیدونم چیکار کنم

اوا_

بله_

بیابشین حرف دارم باهات_

چشم_

ایشالله خوشبخت بشی اما یادت باشه ادم باید تو زندگیش خیلی صبور اروم باشه اگه_

کسی بدی کرد جوابشو بادی نده خوبی کن بجاش حرفایی که میزنم یادت باشه نصیحت مادر انس

الانم بخواب صبح بلندشو برو خریداتو کن چیزی نمونده به عقدت منم رفتم شب بخیر

مرسی مامان شب بخیر_

داشتم میخواستیدم به گوشیم اس ام اس اومد میدونسم آرینه زود پیردم سمت گوشی

دیدم سر حرفم هستم من اگه اون وردنیام باشه توول نمیکنم اخه اگه ول کنم نفسم_

میگیره

آرین خیلی خوشحالم خیلی_

منم همین طور عزیزم فردا صبح میام دنبالت بریم خرید_

باشه عزیزم منتظرم_

خوب بخوابی خانومی شبت بخیر_

شب توام بخیر اقای_

زود خوابیدم که صبح باید بلندشم برم

اوا پاشو هر بار که مانباید بیدارت کنیم_

ساعت چنده_

هشت پاشو که دیرت نشه_

پاشدم دستو صورتو شستم رفتم آماده شدم شال ابی شلوار ابی کیف کفشم مشکی

یکم صبحه خوردم قرار بود آرین ساعت نه بیاد زنگ زدم بهش

الوسلام خوبی آرینم_

سلام عزیزم مرسی جونم_

من امادم کی میایی_

الان راه میوفتم اومدم بوق زدم بیایین_

باشه مواظب خودت باش_

چشم خدافظ_

زوداماده شم تاکی بشینم که بیاد_

مگه چقدراه میادبرو ارزوبیدارکن_

باید تلافی میگردم (حرفت تو قلبم جاش امنه به کسی چیزی نمیگم) رفتم ریش ریش

شالمو میگردم تو گوشش فکر میگرد مگسه هی بادستاشوتگون میاد خم شدم یه بار دیگه انجامش

دادم دستش محکم خورد به دماغم

ای دماغم چته دیونه_

چی شده_

کوفتوچی شده زدی به دماغم_

من بابا نمیدونم مگس از کجا اومده دم گوشه اونومیزدم مگه تو مگسی_

ارزو خیلی پرویی تلافی دیشبو کردم کارمن بود مگسم خودتی پشه_

پس حقته محکم تر باید میزدم نمیزاری بخوابم مثلاً داری شوهر میکنی ها_

نه بابا ها مامان گفت بیدارت کنم بری صبونح میل کنی ملکه_

الان میرم مگس جونم۔

ارزو۔

ادا منو در آورد بایه لهنی گفت

ارزو ارزو۔

اوا بیا آرین دم در منتظره۔

اومدم۔

اجی دماغت مثل دلکا قرمز شده۔

حیف دیره وگر نه میدونستم چیکار کنم باهات

رفتم بیرون از ماشین پیاده شد سلام دادیم اومد در ماشین باز کرد نشستم

اوا چرا دماغت قرمز شده مثل دلکاشدی۔

آرین توام۔

خب اخم نکن ببخشید بگو ببینم چی شده۔

رفتم ارزو بیدار کنم باریشه سالم تو گوشش میگردم فکر کردم گسه محکم زد به دماغم

انقد خندید انگار رسماً جک تعریف کردم

چرامیخندی_

گریه کنم اخه با اون چیکار داری اول صبحی_

میخواسم اذیتش کنم_

اخی بیاب*و*شش کنم خوب شه_

نمیخوام پرو_

اوه کجا بریم حالا_

از من میپرسی_

چیزی خوردی یا بگیرم بخوری_

نه خوردم مرسی بریم خریدارو کنیم_

شما امر کن_

رفتیم یه پاساژ خیلی بزرگ بود خریدامونو کردیم دیگه اخراش بود خسته شده بودم

از صبح بچرخ بچرخ

اوا خسته شدی بریم ناهار بخوریم بقیش برای فردا دو روز وقت داریم۔

اره بریم خسته شدم۔

وسایلو گذاشت صندوق عقب رفتیم یه رستوران غذا مونم خوردیم

اوا دیگه چیزی نمیخواهی بگیرم۔

نه مرسی سیر شدم۔

نوشی جوننت پاشو بریم۔

رفت صندوق حساب کرد رفتیم به سوی خونه

فردا ساعت ده میام خوبه۔

اره خوبه بیابالابشین۔

نه برم کلم شرکت کار دارم فردا خواستی ارزوام بیار۔

باشه عزیزم مواظب خودت باش۔

تو ام همین طور خدافظ خانومی۔

فداتشم خدافظ۔

رفت منم رفتیم خونه خاله فتانه خونمون بود خیلی خوشحال شدم

سلام خاله جون خوش اومدی_

سلام عروس خانوم خوبی مبارکه دیگه مامانت به فکر لپته نیسی_

خاله_

بیابشین تعریف کن ببینم_

نشستم باخاله کلی حرف زدیم از خریدام اشناشدنم باآرین اینکه چقد دوستش دارم_

انقدرم حرف زدن بودیم ساعت شده بود هشت شب

اوا ارزو بیاین صفره بندازین برای شام_

امروز نوبت اجی اواس_

خانوم ارزو الان نوبت یه بعدا پایی خودت_

اون موقع کنارمیام یه جوری_

انقدرکل کل کردیم که خسته شدیم شامم خوردیم دلم تنگ شده بودبرای آرین زنگ زدم

بهش

سلام اقای خوبی خوبی_

سلام عزیزم مرسی قربنت برم تو خوبی چی شد زنگ زدی_

مرسی دلم تنگ شده زنگ زدم صداتوبشوم کجایی_

ای جونم کارم تموم شد دارم میرم خونه_

خسته نباشی مواظب خودت باش دوست دارم خدافظ_

منم دوست دارم خدافظ خانوم_

بهترین حس اینکه که آرین بیشمه چیزی به رویاهام نمونده خاله اینامم رفتن خونشون

منم رفتم که بخوابم فزدا باز باید خرید میکردیم چیزی نمونده به روز عقدمون

اجی خوابت میاد_

اره از صبح که بیدارم خستم چطور_

هیچی همین جووری اجی اوا باورت میشه چیزی نمونده که عروس شی_

اره بهترین حسه من آرین دوست دارم رسیدن بهش برام ارزو بوده چیزی نمونده که_

برآورده شه

اوهوم فردا میرین خرید_

اره راستی آرين گفته بيابى توام پس بخواب كه خواب نمونى_

باشه شب بخير_

باصدای زنگ گوشيم بيدار شدم آرين بودم

الوجونم_

اوا خوابى پاشين اماد شين بيابن من تاچنددقيقه ديگه ميام_

ساعت چندمگه_

نه كارزيادداريم اومدم حاضر باشيا فعلا_

از جام بلند شدم ارزو بيدار كردم كه اماده شه رفتم دست و صورتمو بشورم ياد مريم اوفتادم

اين دختر معلوم نيس كجاس ازش خبريم ندارم

اجى بيابرون ديگه ريخت بابا_

چى ريخت_

چاى ريخت .يه چيزى ميگيا بيادستشويى دارم_

خنده ام گرفته بود راست میگه خب ادم دم دستشویی وای میسه چی میریزه رفتم آماده

شدم

سلام صبح بخیر مامانی من ارزو امروز میرم باخودم _

باشه منم باخاله میرم خرید فردا عقد دخترمه _

واقعا فردا عقده اصلا باورم نمیشه چیزی نمونده

اجی بریم من امدم _

زنک زدیم به آرین گفت سر کوجس بیابیم پایین _

مامان خدافظ _

مواظب باشین دخترم به سلامت _

رفتیم پایین به آرین سلام دادیم سوار ماشین شدیم رفتیم که هم ارایشگاه ببینیم هم

لباس عقدهمین طور واسه آرین رفتیم پاساژ دنبال لباس دامادی برای آرین

آرین اینو خیلی قشنگه توتنت که عالی میشه _

اره اقا آرین فکر کنم خوب بشه امتحانش کنید _

باشه بریم _

سلام ببخشیدمیشه اون کت وشلواری که،پشت ویتترین هست بدین_

سلام خوش اومدین بله حتما_

یه کت مشکی بالباس سفید که گوشه یقش نگین کاری شده بود با کراوت مشکی پائینش

شبيه دو تا هشتی نگین شده بود آرين پوشيد خيلي بهش ميومدعالي شده بود

وای آری خیلی بهت میاد_

چی آری_

او هوم آرين آری بده مگه اسم جدیدت مبارک_

مرسی خیلیم عالی چطوره خوبه_

عالیه مبارک_

مرسی خانوم_

لباس وحساب کرد رفتیم ارایشگام وقت گرفتیم واسه فردا صبح

من خسته شدم تموم نشد از صبح بچرخ بچرخ میکنیم_

چه زود خسته شدی ساعت چنده مگه_

عرض کنم که یکه ساعت گشتم هست_

ارزو خانوم خسته نیستن گرسنن بریم ناهار_

پیتزا حله_

حله_

رفتیم پیتزا زدیم به شکم همه کارا کرده بودیم تموم شده بود یکم رفتیم پارک نشستیم

رفتیم خونه یادم افتاد که به مریم زنگ نزدم یه زنگ بزنگم بهش

الو زنده ایی تو_

سلام اوا خوبی چه عجب خوش میگذره_

مرسی عالی جاتم خالی_

بعله بگو ببینم چه خبره_

اول بگو معلومه اصلا تو کجایی چندروزه خبری ازت ندارم_

سرکاریکم سرم شلوغ بود راستی چرا شرکت نمیایی دیگه_

اها خواستم اینوبگم بهت فردا قدمه خوشحال میشم که بیایی_

چی شوخی میکنی این اقای بدبخت کیه که اومده توگرفته_

همونی که توکوه بهم گفت دوستم داره آرین_

چی_

اره فردا عقدمونه حتما بیا_

اوا ببخشیدصدام میکنن بعدازنگ میزنم خدافظ_

وا این چرا قط کرد

زبان مریم#

آرین مال منه نه اوا چندساله که ارینومیخوام هرکاری کردم نتونسم عاشق خودم کنم

دختر خالشوول کرده عاشق این شده اخه این دختره چی داره که آرین عاشق شده اوا خانوم به

همین خیال باش که آرین خودمو بدم بهت باید یه کاری کنم زنگ بزنی به خاله

الو سلام خاله جون خوبین چه خبر_

سلام دختر گلم خوبی خاله چه عجب یادی از حالت کردی_

نگین شما تاج سری دلم تنگ شده بود براتون ارین بی بی جون عمو خوبین_

اره عزیزم خوبین سلام دارن اینم بگم ارمان از لندن اومد یه خبر خوش دیگم دارم آرین_

فردا عقده به مامانت اینا گفتم

۱ بسلامتی ارمان اومد پس_

آرینو خاله جون میدونم باید یه چیزایو بهتون بگم درباره اوا

خیره چی شده_

اوا دختر خوبی نیس در حد آرینم نیس قبل آرین باکسی دیگه بوده خیلی دختر موزیو_

هیله گریه آرین اولین بچه شما بیشتر دوشش دارین بخاطر همین گفتم ایندش زندگیش براتون

مهم

ظاهر که دختر خوب و مظلومی بود اونکه بله آرین پاره تنمه باید بهترین زندگیداشته باشه_

همین دیگه خاله جون باید یه فکری کنید نباید بزارین زندگی آرین باین دختره صورت_

بگیره چون خوشی نمیبینه دختر خیلی زرنگیه من باید بهتون میگفتم

خوب کردی گفتمی داشتم زندگی آرین دستی دستی خراب میکردم_

حالاتواز کجامیشناسیش

باهم دوسیم بیشتر از هر کسی میشناسمش اگر حرفم قبول ندارین ثابت کنم بهتون_

نه بهت اعتماد دارم عزیزم مرسی که گفتمی_

حالا میخواین چیکار کنین_

نمیدونم یه فکری میکنم به مامانت ایناسلام برسون_

چشم حتما خدافظ_

هه خاله منوچقدسادس باید یه کاری کنم که خاله نزاره تحریکش کنم آراین مال منه بوده

وهست

زبان آراین#

لحظه شماری میکنم برای فردا اوا تکه تک از همون اول به دلم نشست دختر باکیه ومظلوم

بهترین دختر تو دنیا نصیب من شده حس میکنم این یه رویاس

آراین_

جانم مامان_

پسرم تو برام خیلی مهمی باید بهترین زندگی داشته باشی دختره میشناسی مطمئنی_

تحقیق کردی من که میگم عجله نکن

مامان این چه حرفیه اوا پاک ترین دختر دنیاس مطمئنم عجبم نمیکنم اتفاقا خیلیم دیره_

باشه پس بخواب تا فردا ببینیم چی میشه_

شب بخیر مامان_

زبان اوا #1

ساعت هفت بود باید بیدار میشدم هشت وقت ارایشگاه دارم گوشیمون نگاه کردم آراین اس

داده بود

بهترین بهترینها دوست دارم انکار همه اینا یه رویاس واسم اوا چیزی نمونده که بهم_

برسیم باورت میشه

روبانیست آراینم واقعیته منم دوست دارم_

الهی بدو آماده شو پیام بیرمت لحظه شماری میکنم من_

چشم اقایى فعلا_

همه بیدار بودن صبح بخیر گفتم

صبح بخیر دخترم_

صبح شما هم بخیر باباجونم_

اوا دخترم بیا اینجا باهاات حرف دارم_

چشم_

تو دخترم پنجاه سال با ابرو زندگی کردم مادرت با همه چی ساخت راه اومد سعی کن مٹ_

مادرت باشی صبور و اروم به هیچ وج به بزرگترت بی احترامی نکن یادت باشه اونی که دستشو به

شونت میزنه همیشه همراهت بهش اعتماد کن امیدوارم خوشبخت بشی مارو هم سربلند کنی

مرسی باباجونم_

از ته قلبم بغلش کردم گریه کردم بابایی من بهترین بابای دنیاس خیلی چیزا تا الان یادم

داده بابام همیشه پشتم بوده

اوا دخترم گریه چرا باید خوشحال باشی قرار عروس بشی اشک هایی تو باارزشن_

باباجونم دوستون دارم_

منم همین طور یکی یدونه بابا_

سلام صبح بخیر اینجارو فیلم هندیه

اره دخترم توییا توفیلم هندی ماشرکت کنم_

ارزوهم اومد بغل بابام

شما دوتا نور این خونه اید_

مامان چیه پس_

مادر تو نم عشق باباتون_

او باباشماهم_

وا چمه مگه دل نداریم مگه_

رضا اینا فکر کردن ما الکی بهم رسیدیم فقط اینا دل دارن_

اوه مامان اومد_

مامان ماتسلیم_

ای خدا از دست شماها بیاین صبونچه بخورین که کلی مار داریم_

زهرا خانوم به همه زنگ زدی که بگی بیان_

اره به همه گفتم خیالت راحت_

صبونچه خوردم لباس پوشیدم همون موقع ام ارین اومده هر چند اسرار کردن بیادبشینه

نیومدگفت کلی کارداره منوارزو رسوند دم ارایشگاه رفت

سلام عروس خانوم خوش اومدی_

سلام ممنونم_

بیا بشین کلم تاامادت کنم صورت خیلی نازی داری عالی میشی خوشبحال اقاتون_

مرسی_

یساعت فقط پایی موهام بود دیگه داشت خوابم میبرد بدش صورتم

نزدیک ساعت ابود ارزوهم بایداماده میشد زنگ میزدم آرین جواب نمیداد چرا جواب

نمیده این

نگران شده بودم ساعت چهار عقد این کجاس پس دیدم مامان آرین اومد داخل ارایشگاه

سلام عروس کلم چه خوشگل شدی_

سلام مادر جون خیلی ممنون_

از آرین خبر ندارین زنگ میزنم جواب نمیده

بیا اینجاباهات کاردارم_

رفتیم یه داخل اتاق مدیر کسی اونجا نبود یعنی چیکارم داشت

اوا تو باید با ارمان ازدواج کنی نه

آرین

اصلا نفهمیدم چی گفت هنگ کرده بودم یعنی چی

چی مادر جون ارمان کیه من آرین دوستت دارم نه کسه دیگه_

آرین پاره تنمه زندگیو ایندش خوشبختیش برام خیلی مهم توام در حد آرین نیسی من_

اشتباه کردم عجله کردم بخاطر حفظ ابرو باید با ارمان ازدواج کنی الانم آرین نیست همه توسالن

عقدمنتظرن به نفع خودته که قبول کنی من نمیزارم یکی یدونم باتواز دواج کنه

اما_

بین اما اگر ندارین اگر ابرو خودتو خانوادت مهم قبول کن اگر نیسی که هیچی ولی_

باید قید آرینو بزنی همین که گفتم

داشتم دیونه میشدم فقط گریه میکردم دوست داشتم میمردم ولی اینجوری نمیشد من

باید چیکار کنم من من آرینو دوست دارم بدون اون نمیتونم اگه من بابرادرش ازدواج کنم چی

دربارم فکر میکنه نه نه همیشه

آرین نیست نباید چیزی بگی بهش ارمان جلو در منتظر اگر خانوادت چیزی گفتن_

بگونظرت عوض شده نمیدونم یه چیزی بگو یا ابروت یا بی ابرو شدن

من نمیتونم ابرو بابامو ببرم جلوهمه کوچیکش کنم پشتش حرف بزنی پس قبول میکنم_

این ازدواجم قراردادیه هر موقع گفتم باید طلاق بگیری الان برو که ارمان منتظره_

از خودم بدم اومد من چیکار کردم اخه چرا خداجونم این چه سرنوشتیه آرینم چی پس من

فقط اونومیخوام بدون حرفی رفتم بیرون فقط سعی میکردم از چشم اشک نیاد لوبرم دیدم یه

پسری داخل ماشین فراری قرمز رنگ نشسته تانودید اومد بیرون

سلام

جوابشوندادم خودم باهزار بدبختی سوار شدم

بهر بهت بگم من هیچ علاقه ای به زندگی کردن اجباری ندارم اینم مجبورم مادرم واسم_

خیلی مهمه نمیتونم بینم ناراحت یا چیزی فکر نکن از خدومه

هه چه از خودراضی دل به دل راه داره منم علاقه ای ندارم بخاطر ابرویی بابام مجبور به_

چنین کاری شدم

میدونم آرينودوس داری اما آرين ازهرچیزهرکس واسه مادرم مهمه پس هم تو هم من۔

بایدتحمول کنیم

حرفی نزدم تارسیدیم دم تالار بالاش اتاق عقد داشتن خداجونم من به خانوادم چی بگم

اخه وقتی وارد شدیم همه دست زدن بابامانم مثل من هنگ کرده بودم بابام اومدم درگوشم

گفت

اوا آرين کو۔

باباببخشیدمن نظرم عوض شد من چیزه۔

اقایی عمرانی اوا و ارمان همودوست دارن یه سوتفاهم بود که بعدا میگیرم بهتون۔

یعنی چی خانوم محسنی۔

بابا الان وقتش نیس همه دارن نگامون میکنن بعدامیکم بهتون۔

خانواده من خانواده آرين همه شوکه شده بود ولی مجبوربودن برای حفظ ابرو چیزی نکن

نشستم سرصفره عقد دلم میخواست گریه کنه آرين کجاس پس یعنی چی دربارم فکر میکنه

خطبه عقدو خوندن

قران بازکردم سوره حج برام اومد خودمو بزور نگه داشتم پس رویاهام چی میشه آرينم

چی میشه کسی از چیزی خبر نداشت بابام سرش پایین بود هنوز توشوک بود ارزر که که کلن

توشوک بود مامانم ریز ریزیه میکردن نمیتونسن کاری کنن پاییه ابرو درمیونه کسی از اشوب

قلبم خبر نداشت عاقد شروع کرد

دوشیزه محترمه سرکار خانوم اوا عمرانی ایا بنده وکیلیم شماه به عقد دائمی آقای ارمان _

حسنى دریاورم

عروسه رفته گل بچینه _

برای بار دوم میبرسم سرکار خانوم اوا عمرانی ایا وکیلیم _

عروس رفته گلاب بیاره _

برای بار سوم میبرسم ایا وکیلیم _

دلم نمیخواست بگم بله چون از ته قلبم نبود

نمیخوای بله بگی همه منتظرن _

با اجازه مادریدم و بزرگترا بله _

همه دست زدن از اتاق عقد خارج شدیم وارد سالن شدیم جایگاه عروس داماد نشستیم

معلوم نیست بابام الان در چه حالیه چه فکری میکنه تا آخر نه حرفی ونه کاری دیگه ایی نکردم

ارمانم همین طور همش به فکر آراین بودم

اوا دخترم_

بله مامان_

حالت خوبه عزیزم نمیخواهی حرفی بزنی_

خوبم نگران نباشید_

چیزی خواستی بگو حداقل یه لبخند بزنی_

باشه_

فقط میخواسم این مجلس نکبته زودتر تموم بشه خودموبزور نگه داشتم گاهی از چشم

اشک میومد سری پاک میکردم که کسی متوجه نشه باهزار مکافات تمومش کردن سوار ماشین

شدیم که بریم خونه بابام معلوم نیست اونجاچه غوغایی به پابشه

کلی استرس داشتم کم مونده بود سخته کنم ازپله هارقم بالا خانواده آراینم بودن

اقای محسنی شماچیکار کردین مگه دخترم قرار نبود بااقا آراین ازدواج کنن پس چی شد_

ماهیچی بازندگی دخترم چیکار کردین

اقاعمرانی باور کنید مااز چیزی خبر نداریم_

من بهتون میگم۔

بگین منتظر جوابم۔

برای حفظ ابرو خانواده ما وشما مجبور به اینکار بودیم وگرنه که ماچرا باید بازندگی۔

دخترتون بازی کنیم آرین لحظه اخرپشیمون شد نمیتونسیم کاری کنیم ارمان قبول کرد اوام

قبول کردبه این ازدواج

یعنی چی این حرف درست نیس۔

بابا مادر جون راست میگن من خودم قبول کردم من راضیم باباجون۔

اوا مطمئنی دخترم تا الان حمایت کردم از این به بعدم خواهم کرد من پشتتم حرفامو که۔

یادت نرفته

مرسی مگه میشه یادم بره۔

مامانم یک کلام حرف نزد ازروبرعکس همیشه امروز اروم بود بی بی اومد بغلم کرد گفت

عزیزم منم همیشه پشتتم از الان به بعد تو دختر خودمی۔

ممنون بی بی جون۔

مامان ارین

اقای عمرانی پسر مہمہ چیزش کاملہ نیاز بہ جہیزیم نیست دیگہ اگہ اجازہ بدین نامزد م۔

نمونن برن سرخونہ زندگیشون

امروز چقدر بہم شوکت وارد میشہ من کہ ہیج مامان بابام یعنی چی اخہ مگہ میشہ

ارہ ہزارین برن اقا عمرانی اینجوری بہترہ۔

مگہ میشہ دختر بزرگم بدون جہیز بہ برہ خونہ بخت نہ نمیشہ۔

بابام مخالف بود انقد گفتن دیگہ مجبوری قبول کرد

عروس کلم وسیلہ چیزایی کہ لازم داری جمع کن کہ فردا ارمان میاد دنبالت۔

ہیچی حرفی نزد م ہیچی فقط میخواستہم برن دلہ بہ حال خود م سوخت این چہ جور شہ

اخہ زندگیم بہ روزہ از این رو بہ اون رو شد

بیخشید من خیلی خستم میشہ برم اتاق م۔

اوا خوبی دختر م۔

بلہ خوبم یکم بہ استراحت نیاز دارم۔

برو عروس کلم راست میگی خسته شدی از صبح_

ممنون خدافظ_

هیچی دیگه برام مهم نبود فقط تنهایی میخواستم رفتم لباس عروس که چه عرض کنم

لباس سیاه بدختی و در آوردم باهمون موهای مسخره دراز کشیدم تا تونستم گریه کردم رویا هام

با گریه هام خیس شدن دیگه تموم شد آرین چرانست یعنی کجاس چیکار میکنه میدونه یا نه

انقدر گریه کردم که خوابم برد

انقدر گریه کرده بودم چشمم باد کرده بود رفتم حموم دوش گرفتم خدایا چیجوری با این ادم

زیر به سقف زندگی کنم من اصلا نمیدونسم آرین داداشم داره زیر دوشم تا تونسم گریه کردم

کاری جز گریه کردن ازم بر نمی اومد

اوا بیا اقا ارمان اومده دنبالت_

الان میام_

زود اومدم بیرون همه وسیله هامو جمع کردم رفتم که از خانوادم بابام مامانم ارزو دیونه

خدافظی کنم

باباجونم ببخشید اگه سرافکندتون کردم_

اوا دختری تو من تا اخر بادخترمم نبینم گریه کنی یادت نرفته که اشک هات باارزشن_

بهترین بابایی دنیاین شما_

صفت بابامو بغل کرده بودم نمیخواستم دل بکنم از اغوشی چشم خوردبه ارمان سرش

پایین بود از چهرش معلومه که اونم پریشونه

رفتم بغل ارزو

بلخره شوهر کردی رفتی_

دختر دیونه نرفتم باز م میام_

دیدم مامانم گریه میکنم رفتم صفت بغلش کردم دو نامون زدیم زیر گریه

زهرا دخترم واسه همیشه نمیره که اینجوری نکن بزار باخوشحالی بره خوش سر نوشته_

اوا من پاکه مطمئنم خوشبخت میشه

با حرفایی بابام اروم شدم از بغل مامانم اومدم بیرون ارمان چمدونمو گرفت دست بابامو

ب*و*سید و خدافضلی کرد رفت پایین من با هزار مکافات خدافض کردم رفتم سوار ماشین شدم

تاکی میخوایی گریه کنی سرم رفت واسه همیشه رفتی که هر روز بیایشون_

چپ چپ نگاهش کردم سرموتیکه دادم به پنجره بیرون نگاه میکردم

خانوم او از کی نخواستید که الان خوابیدی بهت خوش گذشته باشو رسیدیم۔

چشم واکردم دیدم داخل پارکینگ همسیم جوابشودادم

میدونسی خیلی گرمیزی صدر حمت به پیر مرد تخم کفتر خوردی مگه۔

نه زبونم داری پس حالا خرس گنده نمیخواهی پیاده شی۔

پیاده شدن رفتم سمت اسانسور

خوبه چمدون برتم شدم راحتی گلم۔

اره مرسی فقط به در دیوار زن تازه خریدم۔

رونوبرم خرس گنده۔

دونایی سوار اسانسور شدیم واحدسه زد در باز کرد

بفرما تعارف نکن خونه خودته۔

خوب شدگفتی۔

رفتم داخل یه خونه دو خواب حالش بنفش سفید بود نه بابا سلیقم داره این

اشپزخونش نفره ای مشکی بود

خیلی قشنگه بود وارد اتاقش شدم یه اتاق میز کار کتابخونه بود فکر کنم اتاق کارشه اون

یکی اتاقم یه تخت دو نفره میز ارایش پنجره بزرگ که بازش میکردی بالکن بود چقد دل بازه

اینجا اتاقش ابی سفید بود

دیدین پسندیدین_

گشمنه_

بیامنوبخور اشپزخونه اونجا منم گشمنه یه چیز بزار بخوریم_

چی من بزارم_

نه ببخشید پرنسس من میزارم شما بشینید_

اخیش خیالم راحت شد_

باید بگم اینجاخونه بابات نیستا خونه شوهره پس غدام پایی تو برو بزار که گشمنه_

یه غذایی بزارم واست حال کنی رفتم در بیخچال باز کردم همه چیز بود واسه خودش

سوپرمارکتی بود چی بزارم کوکوسیب زمینی اما چه کوکویی بزارم برات بچه پرو

اول رفتم لباسامو دراوردم یه تونیک ابی پوشیدم با شلوار ورزشی سالمم از پشت بستم

رفتم که غذا درست کنم

مواد کوکو گذاشتم اول واسه خودم درست کردم سرخ کردم یه جا پنهونش کردم بعدش

واسه ارمان خان کلی فلفل ریختم اونم فلفل قرمز سرخ کردم میزم آماده کردم

شاهزاده تشریف بیارین غذا_

سم نباشه بدی به خورد من_

اونم به زودی میدم غصه نخور_

به به کوکوسیب زمینی عاشقشم_

بخور نوش جونت_

سه تاورد داشت شروع به خوردن کرد وای خدابه دادت برسه ابرم بخوری فایده نداره

یه مزه ای میدم وای دهنم سوخت اب اب_

چی شد_

چی شدو کوفت دارم برات فلفل میریزی واسه منو جدامیکنی اب بده سوختم وای_

قیافش دیدنی بود کلی خندیدم دلمو گرفته بودم میخندیدم زبونشومیاور دیرون هی مردم

ازخنده دیدم بدنگاه میکنه لال شدم کوکو های که پنهون کردم ورداشتم در رفتم تواناق درم

بستم ادم میاد داخل این اتاق آرامش میگیره

یه صندلی میزم داشت نشستم راحت خوردم

بیرون نگاه میکردم دیدم صدای از ارمان نیامد داره نقشه میکشه حتما انقد ساکت بود که

تمام غصه هام آرینم دوباره اومد سراغم خیلی دوش دارم درسته هنوز عشقمه ولی دیگه

نمیشه کاری کرد

قرار بود آرین اقام شه این گودزیلا غر غر و شد شوهرم الکی الکی خدایا

بازم گریه نمیتونسم کاری جز گریه کنم حتما آرین تا الان فهمیده اگه واقعا میخواست

نمیزاشت اینجوری بشه نه زنگی و نه چیزی

رفتم روتخت دراز کشیدم چقد نرمه

پاشدم پیر پیر کردم هورا هورا میکردم نه به گریه کردنم نه به هورا گفتنم رسماً دیونه

شدم توی ناراحتی هام همیشه لبخندشادی دارم بابام همیشه میگه بالبخند به غصه هات ضربه

بزن نزار اذیتت کنه

هو تخته شکست چته_

هو تو کلات خسیسی یه تخته خوبه_

مادر چون زنگ زد گفت شام بیاین اینجا_

نمیام_

بیخود بین بزار یه چیزو از الان بگم من حرفو یه بار میزنم بایدم بگی چشم_

نمیگم_

کارت یادم نرفته ها دهنم هنوز میسوزه چقد فلفل ریختی اوغده داری مگه_

میدونستی تو یه پیر مرد غر غر رویی_

نه بابا پرنسی_

مرسی مرسی_

یساعت دیگه آماده باش_

برو بابا_

نشیده میگیرم_

رفت درم بست پسره غر غر رو غد پرو گودزیلا

شنیدم چی گفتیا زشت_

کجام زشته_

همه جات برو خودتو بین توایینه_

رفتم خودمو دیدم کجام زشته پسره کودزیلا

بیایینور بابا ایینه تار شد_

هه هه_

رفت بیرون نه خدایی کجام زشته دراز کشیدم چشموبستم به کوه قدم زدن با آراین

فکر میکردم شاید ظاهر م خوب باشه از داخل داغونم اوف

مگه نگفتم آماده شو خوابیدی که_

مگه نگفتم آماده شو خوابیدی که_

ادا منو در میاری پاشوتابنج دقیقه دیگه باید آماده باشی زبون دراز زشت_

خودتی زشت خودتی_

خدایا بهم صبر بده دیونه چرا نصیب من کردی اخه از لجم آماده نشدم نشستم

یهودستمو کشید برد طرف کمک

اماده نشو من امادتت میکنم۔

چی برو اونور نمیخوام۔

یابپوشی یامن تنت میکنم۔

به من دست نزن باشه اماده میشم گودزیلا۔

دفع اخر میگی گودزیلا ها۔

اماده نمیشم اصلا۔

باشه دارم برات۔

مانتوشلوار از کمداورد افتاد دنبالم تو خونه که لباس تنم کنه واقعا میخواد این کارو کنه۔

باشه باشه میپوشم برو اون ور برم اتاق بیوشم۔

میپوشی۔

اره۔

لباس گرفتم رفت اتاق خواستم قفل کنم کلیدو

خانوم زشته کلید دست منه زرنگ بدوپوش بیا_

نیای توها_

خب بابا_

رفتم تندتندپوشیدم ازش بعید نیست بیاد تو یهو

امادم بریم!_

چیه_

رنگ لباسمون باهم بکجه چه تفاهمی_

اوه برم درش بیارم_

به درک_

اهمیت ندادم رفتم بیرون از خونه سوار اسانسور شدم دکمه p زدم چه حیاط نازی عاشق گلم

بخصوص رز

دیدم ارمانم اومد ولی عوض نگرده بود

چقدم عوض کردی_

حرف نزن بیابشین بریم_

سوار شدم رفتیم دیدم هی ها ها می‌کنه هنوز دهنش می‌سوزه حقه زدم ریز

ریز می‌خندیدم نزدیک خورشون شدیم استرس گرفتم آرین باشه چیجوری باهش روبه رو شم

خدایا خودت کمک کن

می‌خواهی تا آخر بشین توماشین_

برو بابا با این ماشینت_

از تو زشت قشنگ تره که_

چی منو باماشین یکی کرد گفت من زشت ترم حقه بود کل فلفل خالی می‌کردم

محل ندادم بهش دیدم جلوتر از من رفت این دیگه کیه دستام می‌لزد لرزون لرزون رفتم

یه حیاط خیلی بزرگ داشتن مثل قصر بود اولین باره که خورشون میرم ارمان در باز کرد وارد شدیم

پدر جون اومد جلو پیشونی منوب*و*سید

اوا خوش اومدی دختر ببخشیدمیدونم در حقت بدی کردی_

پدر جون این چه حرفیه شما بزرگترین_

بی بی جونم اومدب*و*سم کرد مادر جونم همین طور رفتیم نشستیم که من سرم پایین

بود اروم بودم کلی میوه و... به خوردم دادن بخور بخور جون بگیری همین جور می‌خوردم دیدم نه

اینکه مریم اینجایکرمیکنه بغلش کردم

کجابودی تو دختر اینجایکرمیکنی_

سلام تو اینجایکرمیکنی من اومدم خونه خالم_

چی یعنی مادر جون خالته_

اره نگفتی تو اینجایکرمیکنی_

که مادر جون گفت

مریم ایشون همسرارمان هستن_

جدی مبار که عزیزم_

سرموانداخت پایین چیزی نگفتم برام جای سوال بود چرا تعجب نکرد من که گفتم باارین

ولی این

شام امادس بیاین سرمیز_

رفتم نشستم ارمان داشت اون ور میشست که بی بی جون گفت

ارمان برو پیش زنت بشین بدو کله پوک_

اما_

امااگرنداریم پاشو_

اومدم کنار من نشیت داشتیم غذا مومیخوردم دیدم در خونه باز شد این ارینه عشق من

هول کردم فاشق از دستم افتاد همه نگاه کردن دلیم برای چشایی قهویش تنگ شده بود سرش

انداخت پایین سنگین سلام کرد

ارین پسر بیاپیش مریم بشین شام بخورین_

از اینکه کنار مریم نشست حسودیم شد چرافت پیش اون ارمان اروم در گوشم گفت

اوا غذا تو بخور ارین از بس نگاه کردی تموم شد_

باشه_

زیاد غذا نخورم پاشدم اصلا حالم خوب نبود

ارمان پاشوبریم حالم خوب نیست_

اره عروس کلم الان باید فقط تقویت شه استراحت کنه_

وااین منظورش چیه بیخیالش پاشد رفتم خونه

زودپریدم تواتاق لباس عوض کردم خداروشکر کلید بود در قفلش کردم راحت

دراز کشید لباس راحتی پوشیدم ارمان که نیست نمتونه بیاد تواتاق

اوا چرا در قفل کردی میخوام بخوابم در باز کن_

نخیرم شما یه جادیکه میخوابی نه اینجا_

ببخشید قبل تو اینجا تاق من بوده و هست در باز کن تا عصبی نشدم_

برو بابا شب بخیر_

ا اینجا جوریه و ایسا فقط ببین_

راحت خوابیدم سعی کردم به ارین فکر نکنم

بیدار شدم دیدم ساعت ده صبح صدایم نمیداد از ارمان لباسام عوض کرد رفتم تو پذیرایی

دیدم ارمان نیست بهتر شش کم اومدم در یخچال باز کنم یه نامه روش بود

سلام من رفتم شرکت تا پنج غروب نمیام اینم شماره کار داشتی زنگ بزن بهم مواظب_

خودتم باش بای

اوه حالاتاون موقع چیکارکنم من صبونحه مشتی خوردم زنگ زدم به مامانم

سلام مامان خوبی باباخوبه ارزو خوبه چه خبر_

اوو اروم تر اره کلم خوبن ت خوبی ارمان خوبه چیزی که کم نداری_

نه همه چیز خوبه_

اوا نبینم بشینی گریه کنیا_

نه مامان جونم نگران نباشیدهمه چیز خوبه ارزو کجاس_

رفته بیرون بادوستش_

اها باشه مامان من برم سلام برسون مواظب خودتونم باشین_

توام همین طور چیزی لازم داشتی زنگ بزنی مواظب باش خدافظ_

خدافظ_

یکم باتلویوزون وررفتم حوصله بدجور سررفته بود ساعت یک بود زنگ زدم غذاسفارش

دادم نزدیک دو بود که غذااوردن خوردم دلیم بدجور درد میکرد حال تهوع شدیدام داشتم

بزور خوابیدم

زبان ارمان #

اومدم خونه دیدم چراغ خاموش روشن کردم دیدم نیست رفتم اتاق خواب بود این

چقدر میخوابه صداش کردم بیدار نشد

اوا چقدر میخوابی باشو_

اوا_

نگران شدم دست زدم به پیشونیش داغ بود مانتوتنش کردم باشال بغلش کردم بردم

بیمارستان خیلی ترسیده بودم چهره ای مظلومی داره دلم براش سوخت حقش نبود که مامانم

اینجوری کنه باهاش

خانم دکتر حالت چطوره_

مسموم شده خداروشکر خوبه نگران نباشید معلومه خیلی دوستون داره هی ارین ارین_

میکنه

چی_

از اینکه تو اون حالتی ارین ارین میکنه به فکر شه عصبی شدم درسته دوشش داره

باید فراموشش کنه ارین قراره که

بامریم ازدواج کنه اینو چیجوری بهش بگم اخه رفتم بالاسرش و ایسادم قیافش خیلی نازه

میدونم از درون داغونه ولی خوب ظاهرشو حفظ کرده هر کی بود بی احترامی میکرد ولی این دختر

حتا به مادر پدرم بی احترامی نکرد صداش در نیومد

من اینجایکامیکنم_

اوا اروم باش مسموم شدی اوردمت بیمارستان چی خوردی امروز تو_

من هیچی_

مطمعنی_

اها از بیرون غذا سفارش دادم خوردم_

دیگه غذا بیرون نخور میدونی فقط صدات کردم جواب ندادی چقد نگران شدم_

باشه من خوبم نگران نباش_

خانومتون مرخص میتونین بیرین فقط دارو هاش به موقع بخوره_

باشه خیلی ممنون_

اوا اروم باشو بریم_

زبان اوا#

از اینکه این گودزبلا نگرانم شده بود به جوری شدم خوشم اومد دستمو گرفت به لحظه

شوکه شدم به چشاش نگاه کردم انقدر نزدیک بود که نفشاش به صورتم میخورد خودمو جمع جور

کردم دستمو از دستش کشیدم بیرون

خودم میرم_

به درک دختره زشت_

اروم اروم رفتم سوار ماشین شدم سرموتیکه دادم چشموبستم

باز خوابید_

نخیر بیدارم_

خوبه رسیدیم پیاده شو_

پیاده شدم رفتم خونه خداا مشبوبخیر گنه رفتم روتخت خوابیدم کلیدو ورداشته بود_

اومدتواتاق

پاشومیخوام روتختم بخوابم_

من جام خوبه مشکل داری برو همون جای که دیشب خوابیدی_

به همین خیال باش_

اصلاً یکاری کنیم قرعه کشی کنیم_

حله_

تویه برگه نوشتیم اوایه برگه ارمان یه برگه روزمین دو نفرمون_

نوشتیم وردار یدونه_

باشه_

ورداشت بازی کرد

چی نوشته_

دونامون روزمین_

باشه من این ور تخت تو اون ور تخت کسی رو تخت نمیخواه_

قبوله_

کنار او مدیم خوابیدیم

صبح پاشدم یادم افتاد دیشب ارمان شام نخورد منم نخوردم دیدم ارمان خوابه یعنی امروز

نمیره سرکار رفتم میز صبحونه آماده کردم

به به من انقدهنر داشتم خبر نداشتم ازش_

اعتماد به سقفی داری_

سلام_

سلام تو اینا که فلفل نریختی_

نه اگه شک داری نخور از گشنه گی بمیر_

اول خودت بخور از همه چیز بدمن میخوردم_

باشه_

شروع کردم بخوردن دیدن مطمئن شد اونم خورد

مرسی_

چرا امروز نرفتی شرکت_

ترسیدم باز تویه چیزیت شه جواب چند نفر باید بدم_

جواب ندادم میزو جمع کردم ارمان باتلویوزون ورمیرفت اب میده دستم بود یهو

صداها هنگ زیاد کرد ترسیدم لیوان از دستم افتاد شکست

مرض داری مگه داشتم سکنه میکردم_

داشت میخندید چه بامزه میخنده

حقته تلافی فلفل دیروزت_

گودزیلا_

زشت_

رفتم اشپز خونه دستمال اوردم که پاکش کنم یهو لیز خورد پاهام رفت هوا داشتم میوفتم

که ارمان منو گرفته دستش رو کمرم بود یه دستش یه پامو گرفت نداشت بیوفتم بازم این چشاش

صورتش نزدیک صورتم بود فقط همونگاه میکردیم بعد چند لحظه

خودمو جمع جور کردم توپیدم بهش

چرا اینجا فرش نداره میوفتادم میدونستی چی میشد خسیس فردا فرش میگیری_

میزاری بیشور

رفتم تواتاق درم بستم یه روز نمیزاره ادم اروم باشه

اوا میخوام چی چیزی بهت بگم_

بگو_

فردا عقدارینه بامریم_

اصلا از شوخیت خوشم نیومد_

جدی گفتم زنگ بزنی پرس فردا باید بریم_

برو بیرون همین الان_

اوا_

گفتم بیرون_

سرش داد زدم رفت بیرون بلند بلند گریه میکردم اخه خدا چرا من چرا عشقموازم گرفتی

چرا سر نوشتم اینجوری شد من یه بار عاشق شدم فردا چیجوری برم عقد عشقمو ببینم نقد گریه

کردم چراغ خواب رو تختی پرت کردم شکست

اوا چی شد_

میگم برو بیرون میخوام تنها باشم برو_

لجبازی نکن چرا اینجوری میکنی_

اگه نری بیرون کلن من از این خونه میرم بیرون_

باشه رفتم اروم باش_

انقدحالم خراب بودارمان ترسید رفت پاشدم برم بالکن شیشه چراغ خواب رفت توپام

جیغ بلندی کشیدم

عجب بدبختی گیر کردم اوا چیکار کردی تو_

میسوزه_

بینم پاتو_

پاموگرفت خیلی برید شیشه توپام رفته بود

وایسا یه چیزی بیارم شیشه دربیارم تودیونه ای دیونه_

از رو میز ارایش موجین آورد انقدجیغ جیغ کردم اخرعصبی شد

اوا روعصابم راه نرو تگون نده جیغم زن کر شدم بزار درش بیارم_

باشه_

باهزارمکافات درش آورد پانسماں کرد خودشم شیشه هارو جمع کرد منم یه گوشه

نشسته بودم گریه میکردم

بسه اوا چرا گریه میکنی چیزی درست نمیشه اوف_

دید من اروم نمیشم عصبی شد رفت بیرون از خونه

زبان ارمان #

هر کاری کردم اروم نشد باباش گفت اشک اوا باارزشن ازم قول گرفت نزارم دخترش گریه

کنه یا اذیت شه منم عصبی شدم رفتم بیرون درکش کردم سخته باید یه کاری کنم رفتم به عالمه

خوراکی گرفتم یه فیلم ترسناکم گرفتم یه گل رزم گرفتم براش هرچی باشه دختره نباید کمبودی

چیو داشته باشه الانم باید هر کاری کنم تا اروم شه پیتزام گرفتم رفتم به طرف خونه دیدم بغل

خیابون خرس گنده میفرشن یدونه سفیدشو گرفتم براش رفتم خونه دیدم برق خاموشه ترسیدم

نکنه کاری کرده باشه دیدم یه گوشه اتاق کنج کرده خوابیده دلم سوخت دختر پاک و مظلومیه

اوا پاشو چرا اینجا خوابیدی_

نمیدونم_

پاشو دستو صورتو بشور بیا ببین چی گرفتم برات_

زبان اوا #

پاشدم رفتم دستو صورت موشوستم این چرا انقد مهربون شده چی گرفته برام رفتم

تو پذیرایی دیدم یه خرس گنده دستش یه گل رز قرمز مثل بچه هایی دوساله خوشحال شدم

خوشت اومد ازش_

خیلی مرسی_

بیا پیتر اگر فتم بخور تا سرد نشده_

پیتر خوردم داشتم میرفتم تو اتاق که ارمان دستمو گرفت

اوا بین میدونم سخته ولی باید فراموشی کنی اون فردا عقدشه کاری نمیشه کرد_

خودتو داغون نکن دیگه گریه نکن قول

حرفاش ارومم کرد راست میگفت منم قول دادم

حالا بیا بریم فیلم ببینم_

چه فیلمی_

ترسناکه نکو که میترسی_

من نه_

رفتیم رومبل نشستیم فیلم شروع شد من واقعا میترسم خودمو بزور نگه داشتم فیلم

مرده دستش تبر بود ادما با اون میگشت هی چشمو میبستم

ترسیدی_

من نه کی تموم میشه_

یساعت دیگه_

وای خدا شب چیجوری بخوابم بزور موندم دیدم داشتم سکنه میکردم خداروشکرزود

تموم شد

من رفتم بخوابم شب بخیر_

رفتم بخوابم

کلی صلوات فرستادم بزور خوابیدم نزدیک ساعت سه بود دیدم صدامیادپاشدم جیغ داد

جن جن راه انداختم

چته جن چیه_

یه صدای های میاد بین کیه_

اولن خودت جنی دوما من بودم رفتم اب خوردم_

واقعاکه من بزور خوابیدم یه اب خوردن انقد سروصدا داره_

دوباره بزور بخواب_

بامزه_

رفتم سرجام هرکاری کردم خوابم نبرد پاشدم دیدم ارمان عین خرس قطبی خوابیده عین

خیالم نیست

پاشومن خوابم نمیره_

ارمان پاشو میکم_

وای اگه گذاشتی بخوابم چته باز_

خوابم نمیره پاشو_

پاشم چیکار کنم برقصم برات_

اقای گودزیلا تعقیب شما با اون فیلمتون_

اوا خواهش میکنم بخواب فردا کلی کار داریم_

باگفتن فردا یاد عقد اربین افتادم بدون جواب رفتم سرجام اروم اروم گریه کردم

اوا چراگریه میکنی_

باتوام_

محلش ندادم اومد پیشم نشست چراغ خوابوروشن کرد دستشو گذاشت رو شونم

اوا گریه نکن من همیشه پشتتم گریه برای چیه هر کی یه سرنوشتی داره_

نیاز به یه دلگرمی داشتم یه اغوشی که اروم کنه ناخداگاه ارمان بغل کردم بلندبلندگریه

میکردم

بسه دیگه گریه نکن بخواب من هستم اوا اروم باش_

حرفاش به دلم نشست از بغلش جداشدم سر جام اروم خوابیدم

ساعت هشت بود دیدم ارمان بالاسرم خوابیده الهی دیشب از جاش تگون نخورد پاشدم

میزاماده کردم میخواسم بیدارش کنم دلم نیومد تلفن خونه زنگ خورد

بله_

سلام خوبی اوا_

سلام مادر جون خوبم شما خوبین پدر جون بی بی جون خوبین_

اره عزیزم همه خوبین فکر کنم ارمان بهت گفته که امروز عقد ارین و مریمه_

حرفی نژدم ساکت موندم

الواوا_

بله گفتش_

باشه پس زودبیااین کلی کارداریم_

چشم خدافظ_

کی بود_

مادر جون گفتن زودبریم_

من برم دستو صورتتم بشورم میام_

رفتم سرمیز اشتها نداشتم از جام بلندشدم رفتم اتاق

اوا چرا چیزی نخوردی_

اشتهاندارم_

میدونم ناراحتی در حقت بدی کردم واقعا مجبور بودم ارین واسه مادرم خیلی مهمه_

بیشتر از هر کس اونودوس داره بعضی وقتا حسودیم میشه که اونویشتردوس داره به فکر زندگی من

نبود باعث شد الان یه زندگی اجباری داشته باشم واقعا نمیدونم چرا این کارو کرد تو دختر خوبی

پاکی ولی چرانمیدونم بهتره توام کنار یایی اگه اینجوری پیش بری بدعصبی میشم

برو بیرون میخوام آماده شم_

واسه دیوار حرف زدم دیگه نه حقته بدرفتاری کنم باهات تابفهمی زشت_

تو خوشگل خوبه_

صدالبته_

اول بیا بخور بعدا آماده شو_

نزار بهت دوباره بگم گودزیلا برو نمیخورم_

انداختمش بیرون باید امروز خوشگل کنم کسی متوجه نشه فکر کنن من شادم خوشحال

رفتم جلو آینه یه رژ قرمز زدم یه ریمل خط چشم کشیدم لپام یکم رژ گونه زدم یه تیپ

کرمی زدم پاشنه ده سانتی پوشیدم ادکلونم خالی کردم

من آمادم بریم_

الو باتوام من آمادم بریم ارمان هواست کجاست_

هیچی بزار لباس بپوشم بریم۔

باشه۔

بعد چند لحظه ارمان اومد تیب کرمی زده بود بازم رنگ لباسا یکی بود یه هیکل مردونه

خیلی بهش میومد

بریم۔

اوا بریم الو۔

ها بریم۔

رفتم سوار ماشین شدم که بریم تالار استرس گرفته بودم واقعا من میتونم تحولم کنم

جلو خودمو بگیرم

وارد تالار شدیم ارمان دستمو گرفت شوکه شده بودم ولی واقعا نیاز داشتم نمیتونسم راه برم

مجبوری همچین کفشی میپوشی۔

دوست داشتم۔

۱ پس حفته که بیوفتی_

دستم ول کردرف و اقعادوست داشتم خفش کنم بزور خودمو رسوندم تاسالن پدرجون

جلو در بود

سلام دخترم خوش اومدی_

سلام ممنون پدرجونم مبارکه _

مرسی ایشالله بچه دارشدن تو ارمان_

اب شدم این چه حرفی بوداخه به مادرجون بی بی جونم سلام دادم نشستم

بعدهش دیدم ارین و مریم دارن میان ارین سرش پایین بود معلومه که راضی نبوده ولی

برعکس مریم نیشش باز بود

واقعا برام سخت بود همه رفتن جلو به تبریک گفتن من از جام تکونم نخوردم خواهر ارمان

بغلم نشسته بوداسمش پریساس دختر خوییه زیاد بر خودنداشتم باهانش

زن داداش چرارنگت پریده خوبی_

اره عزیزم خوبم ازصبح چیزی نخوردم بخاطر اونه_

اوه اینم بگم اماده کن خودتو تاشب خونه سوپرایز داریم_

یعنی بعداینجا همه میان خوتنون_

اره زن داداش جونم پاشو حداقل یکم برقص_

من نه جام خوبه ممنون_

قیافم خیلی معلوم بود خطبه عقد خوندن دیگه تموم شد اون دیگه ارین من نیست

از گوشه چشم اشک اومد خودمو جمع جور کردم که مادر جون اومد اروم بهم گفت

بهتر فراموش کنی بپریم بامریم خوشبخت تره ازدواج توام فقط قرار دادیه یادت نرفته_

که

نه مادر جون_

بدون حرفی رفت واقعا انصاف نبود فقط میخواستم تموم شه بعد ناهار تمومش کردن

خداروشکر

اوا دخترم بیاین خونه باشه گلم_

نه بی بی جون خونه کار هست باید برم_

عمرا اگه بزارم برین الانم برو پیش ارین و مریم من میرم دنبال ارمان_

باچه جرعتی برم تبریک بگم توچشایی ارین چیجوری نگاه کنم

سلام مبارکه_

سلام اوا جونم مرسی عزیزم اقاتون کو_

باحرف مریم احم ارین رفت توهم اونم لال شد دیدم ارمان داره میاد

سلام تبریک میگم خوشبخت بشین_

ممنون_

ارین هیچ حرفی نزد حتا سلامم نداد

منم بدو رفتم سمت ماشین سوار شدم وقتی کنار ارین وایساده بودم قلبم تند تند میزد اگه

بیشتر میموندم قطعاً سگته میکردم

توبااون پاشنه چیجوری دویدی ناینجا_

چشات دراد حالا چشم بزن من بیوقتم اخر سر_

نترس تو چشم نمیخوری بریم خونه مادر جون همه اونجان_

منوبزار خونه من نیام_

فکر نکن چند روز باهات راه اوادم به بعدشم میام گفتم حرفو یک بار میزنم توام میگی_

چشم فهمیدی یانه

چنان دادی زد که من لال شدم این چرا یهو عصبی شد

نشیدم بگی چشم_

چ ش م_

اینجاشه چی زور کیه رفتیم میز و صندلی چیده بودن

رفتم بغل بی بی جون نشستم از بی بی جون میپرسیدن این دختره کیه وقتی بهشون

میگفت زن ارمان یه جور میشدن میگفتن از زن ارین سنگین تره منم حال میکردم

خب خب خوش اومدین به مجلس عروسی داداش ارین وزن داداش مریم ما یه سوپرایز_

برای همگی داریم

اونم یه بازی بین زوج ها مایه موز به شما میدیم بدون استفاده از کمک گرفتن دست تاتون

اینو تا این بشقاب برسونید حاضرین

همه گفتن ایول موافق بودن بدون دست یعنی بادهنم عمرا من بازی نمیکنم

ارمان دست زنتوبگیر برین شما هم شرکت کنید_

نه بی بی جون من شرکت نمیکنم بجاش تماشامیکنم_

کله پوک باز تو حرف زدی من میگم باید قبول کنید_

اما_

این سری پدر جون اومد

حرف بی بی جون زمین نزنید برین دیگه باید اول بشین افرین_

اوف اینم زوری خب دسشویی رفتن زوری نیست

اگه بخوایی اونم زوریش میکنم غرنزن خانم زشته میبینی که گیر دادن پس شرکت کنیم_

ماهه شرکت کردیم ارین خم شد یه ور موز گرفت من هر کاری کردم نشد

بلدنستی یه موز قشنگ بگیری دهنت بدو دیگه الان میسوزیم_

باهزار بدختی گرفتم اونم اون ور چشم تو چشم هم بودیم فقط همونگاه میکردیم اروم

اروم میرفتیم که نیوفته زمین چند نفری سوختن ما موندیم ارین و مریم اچه مسخره

شما چرا شرکت کردین

یه لحظه ارین چشمی خورد به من هواسش پرت شد موزافتاد اونا هم سوختن و ما بردیم

همه دست زدن

زن داداش اوا و داداش ارمان شما برنده شدین تبریک میگم_

خب خانم مجردی جایز مون چیه_

جایزه شما اینکه اوا رو جلو جمع ب**و**س کنید_

این چی گفت این دیگه چه جور شه همه ام از خدایون بود ولی ارین دیدم که عصبی شد

از خونه خارج شد

من قبول نمیکنم اصلا جایزه نمیخوام_

برعکس همه دست میزدن یا لا یا لا

ارین اومد جلو لپمو ب**و**س کرد

عصبی شدم زدم بیرون از خونه

اوا وایسا_

اوا باتوام_

دستمو محکم گرفت

ول کن دستمو_

چرا اینجوری میکنی فکر کردی کی تو من عاشقتم از خدا خواسته ب**و*ست کردم ها که_

الان خودتو میگیری

من نمیدونم این چه جور جایزه ای بود باید جایزه بدن نه از طرف خود ادم بگیرن بامن_

حرف نزن خدافظ

دستمو گرفت کشید طرف ماشین

دستم درد گرفته چته دیونه_

بشین تو ماشین_

نمیخوام_

میشینی یا نه_

بادادی که کشید نشستم

اروم برو الان تصادف میکنیم_

اصلا وایسا پیاده میشم میگم وایسا_

وایساد منم پیاده شدم در ماشین کوبیدم محکم دیدم گازشو گرفت رفت نه برمیگیره

برگشت شیشه دادپایین گفت

فکر نکن برگشتم تاسوارت کنم برگشتم بگم به درک خودت تنهایی_

گازشو گرفت رفت این واقعا ارمان بود با این پاشنه کجا برم نصف شبی ماشینم پیدا نمیشه

دیدم یه پژو دوتا پسر توش

دوتا پسر توش هی تیک مینداخت بدجور ترسیده بودم عجب غلطی کردم با ارمان نرفتم

خانوم امشب مهمون ما باش چرا تنهای خوشگله_

جواب ندادم عقب میرفتم میومد جلو میرفتم میومد یکیشو پیاده شدو دستمو میکشید

ناتونستم جیغ زدم

ولم کن اشغال_

هو داری چیکار میکنی_

صداش جقداشناس ارین بود

جنابالی_

دستموبزور از دست پسره کشیدم رفتم طرف ارینم پشتش قایم شدم

یه جنابالی نشونت بدم به چه جرعتی دست این دختر و گرفتی_

ارین حمله ور شد روپسره

ارین ولش کن_

ارین_

اون یکیم داخل ماشین هی میگفت سوار شو تا نکشتت از دست ارین فرار کرد سوار ماشین

شدن رفتن

بشین داخل ماشین_

نشستم دستمو زخم شده بود میسوخت

ببینم دستت چی شده_

هیچی نیست خوبم_

بزور گرفت دید

وایسا بریم پماد بخریم از دارو خونه تو اینجا چیکار میکنی نصفه شب ارمان کجاست_

چیزه_

نمیخواه بگی فهمیدم_

رفتیم دارو خونه پماد خرید تو ماشین خودش اروم رودستم زد

میسوزه_

نه بهتر شد_

دیگه لال شدم منور سو نددم خونه خودشم اومد بالا ارمان یهو خودش در باز کرد ارین یقه

ارمان گرفت

اخه بیشور غیرت کجارتفته دختر مردم نصف شبی ول میکنی میدونی اگه نرسیده بودم_

معلوم نبود چی سرش بیاد ارمان دفع اخر میبینم اینجوری ولش میکنی اوا عشق من بودو هست

باکک ازم گرفتیش پس هواستو جمع کن دلخوشی ندارم بهت

جمع کن خودتو چه کلکی خود اوا گفت پیادم کن در ضمن داشتم میومدم دنبالش_

چقدم زود راه افتادی به دنبالش_

حرف ارین شوکم کرد کلک کلک چی باید سر دریارم اونا دعوا میکردن من ساکت مونده

بودم باید یه جووری بفهم که چه کلکی زدن

بدون هیچ حرفی رفتیم تواتاق درم قفل کردم یعنی کلک چی اخه یه چیز یودارن مخفی

میکنن دیگه صدای نیومد فکر کنم ارین رفته

درباز کن اوا_

باز کن کارت دارم

در باز کردم

بگو_

بین من واقعا خودم خبر ندارم امروز تازه فهمیدم که چی شده بخاطر همین عصبی شدم_

چی شده مگه_

مریم به مامانم دورغ گفته سرشوشیره مالیده تو جلو مامانم بده کرده که باارین ازدواج_

نگنی خودش به هدفش برسه اما روز عقدتون چی شد نمیدونم مریم دختر خاله منه میشناسمش

از بچه گی هیله گر بوده الانم هست هواستو جمع کن

پس تو روز عقد چرا اومدی کی بهت بیایی همچین کاریو کنی_

مادر جون بهم گفت ارین پشیمون شد ابرو داریم تو بجایی ارین برو ازدواج کن مادر من_

برام خیلی مهمه ارزش داره حرفشوزمین نزدم اومدم جلو

ی

اوا الوکجایی بین باید بفهمیم که روز عقدتون چی شده ولی به کسی چیزی نگو تا _

مطمعن شیم

باشه _

من میرم حموم _

باشه _

من میرم توالت _

باشه _

بیامنوبخور _

ها باشه _

مرضو باشه حالت خوبه باشه باشه میکنی _

خب باشه _

اوف دیونه ای تو اوا دیونه منم دیونه نکنی خوبه _

اصلا تو حال خودم نبودم ایناچیکار کردن باهم رفتیم اب خوردیم بعدش وارد اتاق خواب

شدم یهو دیدم ارمان لخته زود چشموبستم

خجالت نمیکشی لختی_

مگه نگفتم حموم میرم چرا اومدی تو اتاق برو بیرون_

رو تو برم من_

اومدم بیرون زود خاک برسم خوبه شورت داشت پسره گودزیلا حیا نداره نمیره حموم

لباس دربیاره واه واه

تا اقا بیان بیرون از حرص نشستیم خوراکی خوردیم بزور دهنم جامیکردم

از کدوم دهات اومدی_

دهنم پر بود همه قورت دادم جوابشودادم

همون دهاتی که تو اومدی لباس بیرون درمیاری_

من گفتم میرم حموم_

نگفتی اتاق لباس درمیاری که_

تا صبح تا کل کل کنم کم نمیاری من رفتم بخوابم شب بخیر_

شب بخیر_

رفت بخواب من خوابم نمی اومد هنوز توحرف ارین بودم

زبان ارمان #

صبح بلندشدم دیدم اوا نیست پس کجارفته اول صبحی

رفتم اسپز خونه ازدیشب اونجا خوابیده سرش رو میز بوده موقع خواب قیافش چه بامزه

میشه بغلش کردم گذاشتم روتخت فکر روز عقداینا بودم یعنی چی شده چرا مامان گفت من برم

اصلا نمیفهمم تلفن خونه زنگ خورد مامان اوا بود

سلام خویین_

مرسی پسر م شما خویین اوا خوبه چیزی که کم ندارین_

نه دستتون درد نکنه نمایین اینجا_

نه عزیزم اوا کجاست_

خوابیده کارش داشتن_

فقط زنگ زدم حالتونو پرسیم مواظب هم باشیم ایسالله خوشبخت شین سلام برسون۔

چشم شاهم سلام برسونید۔

رفتم اتاق کارم کارای شرکت انجام دادم بازم تلفن زنگ خورد یه امروز خونه ایم تلفن چی

شدیم خانمم که خرس قطبی خوابن

الوبله۔

ارمان سلام مادر جان خوبی۔

سلام بی بی جون خوبین شما۔

مرسی خلاصه بگم زنگ زدم بگم بریم شمال شاهم بیان۔

فکر نکنم اوا بیاد ولی چشم خب میدم۔

باشه پسرم پس منتظرم خدافظ۔

کی بود۔

سلام بلد نیستی۔

نوچ_

بی بی جون گفت قرار برن شمال ماهم بریم_

اخبون شمال توچی گفتم_

گفتم شرکت سرم شلوغه نمیتونم_

واقعا که من دلم شمال میخواد لب دریا_

میگم شرکت کاردارم برو صبونج بخور_

راستی تومنوبردی روتخت_

من نه بابا عمت اومد گذاشت_

به عمه من توهین نکن_

زبان او!#

دلم شمال میخواست پسره گودزیلا شرکت کاردارم

اینقدتو دلم فوشی دادم که نکو من شمال لب دریاجنگل میخوام رفتن کلی صبونجه

خوردم وقتی حرصی میشم فقط میخورم

اوا چرا اینجوری میکنی مگه از قعطی اومدی_

بامن حرف نزن_

الان قهری_

خب قهرنکن دورغ گفتم به بی بی جون گفتم ببینم اوا چی میگه اینجور که بوش میاد_

از خداته پس وسیله جمع کن فردا بریم

وای عاشقتم نه چیزه من برم لباسم جمع کردم_

همیشه باید سوتی بدم حالا خودمو کنترل کردم و گرنه میرفتم بغلش ماچ ابدار میکردم یه

تختم کمه واقعا رفتم کلی لباس برداشتم

اوا خوبی تو این همه لباس برا چیه مگه تا آخر میخوای بمونی_

خیلی زیاده_

نه بابا کمه بیشتر بردار میخوای لباسایی منم بردار بیوش_

ارمان میکشمت مسخرم میکنی شهیدت میکنم_

افتادم دنبال ارمان

خرس گنده از من فرار میکنی نوچ نوچ_

به کی گفتمی خرس گنده دختره زشت وایسابیینم_

حالارمان افتاد دنبالم رسما دیونه ایم ما خوبی من اینه بابام یادم داده شادترین

دختر باشم حتاتوناراحتی درسته بدضربه خوردم همیشه فراموش کردولی به ارمانم قول دادم انقد

دنبال هم کردیم پخش زمین شدیم یه لحظه یه صدا عجیبی اومد فکر کنم که صدای باد در کردن

بود خاک بر سرم گندزدم دیدم ارمان دست گذاشت تودلش داره میخنده من چشاشم چهارتا شده

بود

چیزه ببخشید ولی من نبودم_

اره زیرتو ببین وای دلم_

پسره بیشور ازاین باد پلاستیکی ها که صدا درمیاره گذاشته بود

بخندبخند اقاارمان دارم برات گودزیلا_

بعدش خودم خندم گرفت صبح برات دارم وایساتماشاکن

ساعت دو بود گرم بود اصلا حال غذا درس کردن نداشتم

ارمان پاشو غذا امروز باتومن گرمه_

خیلی روی داری به من چه خودت درست کن_

من درست نمیکنم بکنم براخودم درست میکنم_

قبول هرکی براخودش درست کنه_

دیدم ارمان زنگ زد غذا سفارش داد برای خودش من چی بخورم حالا از شانس من رفت

دشجویی ایفون زنگ خورد

بله_

سفارش غذا داده بودین_

بله بفرما بالا_

اومدی غذا گرفتم از جیب ارمان پول برداشتم بدو رفتم توافق درم قفل کرده بودم نشستم

خوردم چقدم خوش مزس

اوا ایفون زنگ نخور غذا نیاوردن_

نه_

باشه_

خوردم جاشو زیر تخت قایم کردم رفتم تو حال

اقا من غذا سفارش داده بودم چی شد پس_

دیدم داره دعوا میکنه یهو منو چب چب نگاه میکرد

ها چیه_

که غذایا وردن_

نه کو_

تو اناق چیکار میکردی پس_

لباس عوض میکردم_

اها نقد طول میکشه_

رفت تو اناق همه جاگشت جاشو پیدا کرد

پس نخوردی نه_

تو چرا برای من نگرفتی_

قرار بود هر کی برای خودش درست کنه نه_

خوردم دیگه الانم میرم بخوابم شب بخیر_

دختره زشت_

اوا پاشو دیرمون شد بی بی جون اینامنتظرن_

از خواب پاشدم آماده شدم که بریم

ارمان ساکمو بیار_

برو بابا دیشب یادم نرفته که غذا مو خوردیا_

حقته_

بیشور ساکمو نبرد خودم بردم بدکمردرد گرفتم نشستم رفتیم خونه بی بی جون اینا سلام

علیک کردیم مثل همیشه باباجون پیشونمیو ب*و*سید راه افتادیم ارین مریم منو ارمان توی

ماشین بی بی و مادر جون تویه ماشین رفتیم من طرف صندلی راننده نشستم مریم پشت راننده

که ارمان بود

ارین عشقم چیزی نمیخوری_

به چه حقی به ارین گفت عشقم باز گریه یواشکی اشکو پاک کردم مثل همیشه سر موتیک

دادم به پنجره چشموبستم

اوا پاشو_

رسیدیم از اول خواب بودی تو_

بیدار شدم یه ویلانزدیک لب دریا به ارین توجه نکردم رفتم لب اب

خدایا واقعاً سرنوشتم این بود ارین ازم بگیری من فقط اونو دوست دارم واقعا چرا اینحوری_

شد

زدم زیر گریه بارون میومد

اوا گریه میکنی چرا سرنوشت منم مثل توشد من میدونم به کاسه ای زیر نیم کاسی_

قول میدم که بفهمم چیه اما قول بده که به کسی چیزی نگی حتا ارمان شاید زیر سر اون باشه

تا مطمئن نشدیم نگو

قول میدم ولی چی شد که روز عقده منم نیومدی_

اوا اگه بگم باورت میشه من اون روز کلی شوق ذوق داشتم چون قرار بود به عشقم برسم_

تو اتاق داشتم آماده میشدم ولی نمیدونم چی شد بیهوش شدم دیگه نفهمیدم چی شد صبح

از خواب بلندشدم به مامانم گفتم گفت که من بهش اس دادم حتابهم نشونم داد ترجیح دادم لال

بشم تا بفهم چی شد

یعنی اون روز چی شده_

اوایی نمیدونم صداشم در نیارباشه من برم تا کسی ندیده گیریم نکن باشه_

دستشور آورد روضورتتم اشکمو پاک کرد شوکه حرف ارین شدم باید بفهمم کار کیه

ارین رفت من لب دریاموندم خیس خیس شده بودم

.دیدم یکی یه چیزی انداخت روم

ارمان توی ترسیدم_

بیابریم توسر مامیخوریا_

دلیم برای دریاتنگ شده بود_

اوا نبینم گریه کنیابیابریم_

دستمو گرفت رفتم داخل ویلا مریم چسبیده بود به ارین بدجور اتیش گرفتم اخم کردم

رفتم تویه اتاق

لباس عوض کردم صدام کردن برای شام

اوا دخترم کجای تو پس۔

لباس عوض میگردم مادر جون۔

بیاشام بخور دختر گلم۔

شام مفصلی خوردم همه گی رفتیم لب دریا آتیش روشن کردیم کلی حرف زدیم مریم

چسبیده بود به ارین پاشدم رفتم توویلا بدحرصی شدم

یکم چرخ خوردم دیدم یکی داره یواشکی حرف میزنه مریم بود رفتم به حرفاش گوش

کردم

اره اون شب بیهوش کننده زدم از گوشیش اس دادم به اون پیرزن فقط الان باید کاری۔

کنیم که اوا فراموش کنه راستی ایسان یه فکری برای این کن

یعنی همه اینا زیر سر مریم بوده باورم نمیشه یواشکی به ارین اس دادم گفتم بهش۔

بایدفکری کنیم که دستش براهمه رو شه

رفتم اتاق بعدش ارمان اومد تو

اوا۔

بله۔

همه اینا زیر سر مریمه _

تواز کجامیدونی _

اومدم خونه دیدم داره با خواهرش ایسان حرف میزنه _

منم شنیدم اما مدرک نداریم چی جوری دستشو روکنیم _

من به ارین گفتم جواب نداده

من گفتم این دختر هیله گر همه مارو به بازی گرفته _

به فکر این باش چیجوری روکنیم _

دیدم ارین اومد تو اتاق

اینجا چیکار میکنی ارین شک میکنه مریم _

واقعا کار مریم بوده من باورم نمیشه تا اس ام اس تو خوندم طاقت نیاوردم اومدم _

یه فکری من فردا میرم بهش میگم که فهمیدم مطمئنم لومیده خودشو صداشو ضبط _

میکنم شب به همه میگیم قبوله

فکر خوبیه جواب ندادچی_

مجبوریم یه فکر دیگه کنیم_

ارین رفتن خیلی داغون بودمریم بهترین دوستم اینجوری بازی داده زندگیمو خراب کرده

اوا بخواب تافردا من یه حالی بگیرم ازاین دختره_

باشه شب بخیر_

صبحش بلندشدم لباس ورزشی پوشیدم رفتم لب دریا واسه خودم اهنگ خوندم

میدونستی صدات قشنگه_

ارین اینجوری مریم شک میکنه بهمون بهتره بری داخل ویلا_

خوابه ولی چشم میرم_

ارین رفت منم به دویدم ساعت نه بود رفتم داخل ویلا مریم توباغ بود رفتم پیشش

سلام خوبی_

سلام مرسی_

مریم چرا باز ندگیم بازی کردی چرا اینکارا کردی من دیشب صداتوشنیدم فهمیدم که چه_

کاری کردی واقعا برات متاسفم زندگیمو خراب کردی

هی هی اروم تر نه باریکلا دخترزرنکی ولی حیف اون پیرزن نوج نوج بادوتا کلمه گول۔

خوردارین فقط مال من بود نه تو اگه نزدیکش بشی خودم میکشمت اره اون شب من ارین بیهوش

کردم ازگوشیش اس ام اس دادم به اون پیرزن والانم ارین مال منه همش زیرسرم بود میخوای

چه غلطی کنی

که اینجور خانم مریم۔

برگشتم همه پشت در بودن حرفاشنیدن من به کل یادم رفت گوشیمویارم ارمان نجاتم

داد

دختر خاله مارو ببین بازندگی ما سه نفر بازی کرده مادرمنو گول زدی۔

همه شوک شدن بودن مریم به تته پته افتاده بود

شرم میادبگم تو خواهرزادمی تو تو بازندگی پسرم بازی کردی گولم زدی او از چشم۔

انداخت تازه فهمیدم که کی پاکه او خیلی صبر داشته که بهمون حرفی نزدبی احترامی نکرد اما تو

مامان اروم باش۔

مادر جون حالش بد شد افتاد بردیمش بیمارستان

اقادگترچی شد_

خدا بهتون رحم کرد سگته رد کردن بهش شوک. بدی وارده شده باید مراقب باشه_

خدا روشکر_

بی بی جون بغلم کرد

اوا دخترم ماروببخش باز ندگیت بازی کردیم بهت کلک زدن توحتا بی احترامی نکردی_

ماحمایتت نکردیم

بی بی جون برام خیلی عزیزین مثل خانواده خودم مهم اینه دستش رو شد_

ببخشید بیمار میخوان خانم اوا ببینن_

رفتم داخل اتاق مادر جون داشت گریه میکر دبعش کردم

مادر جون_

اوا منوببخش بد کردم فکر کردم ارین باتو خوشبخت نمیشه بدتر زندگی شو خراب کردم به_

حرف یه ادم هیله گر گوش دادم کلی حرفاتونوشیدم واقعا ببخشید

مادر جون اروم باشین شماکاری نکردین مریم همه ماروبه بازی گرفته بود الان تموم_

شددستش روشده برامون

بغله كرده ارون شد

ارن ارمان دنبال مرهم كشتن نبود فرار كرده بود

يك سال بعد

بعداون اتفاق مرهم با ايسان فرار كردن رفتن المان از ارمان طلاق گرفتم چون اقا عاشق

يكى شده بودن ارزو به مامانم ايناكفتم كه چيا شده بود ارمان ارزو بهم رسيدن

و منوارن بهم رسيدم الانم يه دختر سه ماه داريم به اسم يلدا

خيلي خوشحالم به كسى كه دوش داشتم رسيدم يلدا ثمره عشق من ارن بود خيلي

زود اتفاقا افتاد ولى برآى ماندازه صدهال بود روى هام به واقعيت تبديل شد

ارى روىاى خيس

پايان